

نسل‌کشی شیعیان در عصر جمهوریت (۲) (مراکز فرهنگی و آموزشی)

□ تهیه شده در گروه تاریخ اسلام

چکیده

در افغانستان از سالیان دور، برنامه هزاره‌زادایی و اشغال سرزمین‌های این مردم، در دستور کار حاکمان ستمگر این سرزمین قرار گرفته بود که در زمان عبد الرحمن به اوج خود رسید و این برنامه همچنان و به صورت رسمی و با سرعت بیشتر عملی شده است. در این تحقیق، کشتار و قتل عام هزاره‌ها، در عصر حاکمیت نظام جمهوریت مورد بررسی قرار گرفته است. براساس بررسی‌های انجام شده، تعریف نسل‌کشی، در «کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی» مصوب سال ۱۹۴۸ ملل متحد، بر کشتار و قتل عام‌های مردم هزاره در دوره حاکمیت نظام جمهوریت منطبق می‌باشد. حملات زنجیره‌ای و هدفمند تروریست‌ها بر مردم هزاره، براساس، گزارشات خبرگزاری‌های معتبر بین‌المللی، منبع محلی می‌باشد. قتل عام مردم هزاره در این سال‌ها به قصد نابودی این مردم صورت می‌گرفت. بنا براین کشتار هدفمند هزاره‌ها در زمان جمهوریت از مصادق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی یک گروه قومی و مذهبی است.

کلیدواژه‌ها: نسل‌کشی، هزاره، جینوساید، جمهوریت، جنایات، ضد بشریت.

حملات هدفمند بر مراکز انسانی، تجمعات مدنی و مسافران هزاره

در قسمت اول این تحقیق، برخی از حملات هدفمند انتحاری بر مراکز دینی و مذهبی و آموزشی، هزاره‌ها در طول دوران حاکمیت نظام جمهوری به طور خلاصه و اجمال بیان گردید. در این قسمت به مهمترین، حملات زنجیره‌ی تروریست‌ها، بر مراکز انسانی و تجمعات مدنی و اختطاف مسافران شیعه و هزاره در مسیر راه‌های تردد عمومی بیان می‌گردد. براساس تعریفی که در قسمت اول از نسل‌کشی ارائه گردید، گفته شد که در ماده‌ی دوم، کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، سازمان ملل در ۱۹۴۸ که-کشور افغانستان نیز در سال ۱۹۵۶ م به آن پیوست-، نسل‌کشی چنین تعریف شده است: «نسل‌کشی عبارت است از یکی از اعمال مشروحه ذیل که به قصد نابودی تمام یا بخشی از گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام می‌شود: قتل اعضای گروه، ایراد صدمه شدید به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه، قرار دادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی تمام یا بخشی از آن گروه شود، تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل گروه و انتقال اجباری کودکان یک به گروه به گروه دیگر» (جرم نسل‌کشی، در اسلام و حقوق بین‌الملل کیفری، پایان‌نامه، ص ۳۵) هر چند تعاریف دیگری نیز برای نسل‌کشی ارائه شده است. ولی این تعریف جامع تر از بقیه به نظر می‌رسد، براساس این تعریف می‌توان حملات زنجیره‌ای و هدفمند تروریست‌ها، بر تجمعات مدنی، مراکز انسانی و مسافران هزاره در این سال‌ها را بررسی کرد.

این حملات کور تروریست در دو بخش بررسی می‌شود:

الف) حمله بر تجمعات مدنی و انسانی

بخش دیگری از این حملات هدفمند بر مردم شریف هزاره، حمله بر اجتماعات مدنی و مراکز تجمع این مردم است. اعم از نظاهرات، باشگاه‌های ورزشی، مراسم جشن و بیمارستان‌ها و هر نطقه که محل تجمع افراد است. که به چند نمونه از این حملات کور

تروریستی در شهرکابل اشاره می‌شود:

۱. حمله انتحاری در بغلان

حمله انتحاری ولایت بغلان افغانستان خونین‌ترین حمله انتحاری در تاریخ این کشور است. این حمله منجر به کشته و زخمی شدن ده‌ها تن گردید. رئیس بیمارستان بغلان گفته است در این حادثه ۹۷ تن کشته و ۱۱۰ نفر زخمی شدند. این حادثه در روز سه شنبه ۱۵ عقرب/آبان سال ۱۳۸۶ خورشیدی در شهر پلخمری مرکز ولایت بغلات رخ داد. حمله تروریستی زمانی به وقوع پیوست که هیئت اقتصادی پارلمان افغانستان به ریاست سید مصطفی کاظمی، برای شرکت در افتتاح دو باره بازسازی شده کارخانه قند، به منطقه‌ی بغلان به آن منطقه رفته بودند. شاهدان این رویداد می‌گویند: «فرد انتحار کننده خود را در میان کسانی که برای پذیرایی و استقبال از هیئت پارلمانی صف کشیده بودند، انفجار داد. سید باقر پسرعمومی سید مصطفی کاظمی، که در رویداد با او یک جا بود، به خبرنگاران گفت: «شخصی که طفلی به همراه داشت به آقای کاظمی نزدیک شده و از او خواست تا گل را از دست طفل بگیرد که در همین لحظه انفجار رخ داد. او افزود: «این شخص چهره سیاه داشت و زمانی که آقای کاظمی خم شد و دستش را به سوی طفل دراز کرد، انفجار رخ داد و در همان دقایق اولیه آقای کاظمی و پنج تن از محافظانش کشته شدند. در این حادثه علاوه بر اعضای پارلمان افغانستان، تعداد زیادی از کودکان نیز شهید شدند شش تن از اعضای اقتصادی پارلمان افغانستان شامل کشته شدگان بودند. سید مصطفی کاظمی نماینده مردم کابل در پارلمان. صبغت الله ذکی نماینده مردم تخار در پارلمان، صاحب الرحمن همت، نماینده مردم کنر در پارلمان افغانستان، انجینر عبدالمتین، نماینده مردم هلمند در پارلمان، نارکمپر سرفراز، نماینده مردم کندز در پارلمان، محمد عارف ظریف، نماینده مردم کابل در پارلمان، در میان شهدای این حادثه تروریستی بودند (<https://fa.wikipedia.org/15/8/1396>).

براساس گفته‌های رسانه‌ها مختلف، بیش از ۶۰ تن از کشته شدگان حادثه‌ی بغلان را دانش‌آموزان یک مدرسه که برای استقبال از اعضای ولسی جرگه به محل آمده بودند، تشکیل

می‌دادند. تلویزیون ملی افغانستان و تلویزیون آریانا تصاویری را پخش کردند که از یک زن و شوهر بغلانی ۳ فرزندشان در این حادثه کشته شده بودند. حامدکرزی رئیس جمهور افغانستان، طی حکمی اشتراک محصلین موسسات تحصیلات عالی و متعلمین کشور را به در محافل تشریفاتی و استقبالی ممنوع اعلام نمود. وزارت معارف افغانستان در پی این حادثه، اعلان کرد، هیچ مدرسه دیگر حق ندارد، از دانش آموزانش به عنوان استقبال کنندگان مقامات دولتی و سیاسی استفاده کنند. هیچ گروهی مسئولیت این حمله انتحاری را به عهده نگرفته است. برهان الدین ربانی رئیس اپوزیسیون سیاسی در پارلمان افغانستان در روز چهارشنبه ۱۶ عقرب ۱۳۸۶ خورشیدی گفت: بیشتر شش وکیل پارلمان و محافظین شان، بعد از انفجار، در بغلان مورد اصابت گلوله قرار گرفته بودند. وی خواستار تشکیل کمیسیون تحقیق با شرکت ناظران داخلی و بین‌المللی گردید طالبان و حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار از مظنونین این حادثه به شمار می‌روند (<https://fa.wikipedia.org/15/8/1396>) این حادثه با واکنش‌های وسیع داخلی و بین‌المللی رو به روشد. دولت سه عزای عمومی اعلام کرد. کشورهای منطقه و نهادهای بین‌المللی آن را محکوم کردند. براساس یک گزارش دیگر این انتحار که در برابر کارخانه قند بغلان رخ داد، حدود صد تن به شمول شش عضو مجلس نمایندگان کشته شدند و بیش از صد تن دیگر زخمی شدند. بیشتر قربانیان این حمله را دانش آموزانی بودند که برای پذیرایی از هیئت کابل گرد هم آمده بودند (<https://tolonews.com/f>) ۱۳۹۶/۸/۱۵). بیشتر قربانیان این حمله تروریستی را نیز هزاره‌ها تشکیل می‌دادند.

۲. حمله بر تظاهرات مردم هزاره در سه راه دهمزنگ

یکی از حملات بزرگ تروریستی که تلفات زیادی به دنبال داشت، حمله انتحاری بر تظاهرات جنبش روشنایی در سه راه دهمزنگ بود. این حمله در روز شنبه ۲ اسد/ مرداد سال ۱۳۹۵ در حوالی ساعت ۱۴:۳۰، هنگامی که تظاهرات کنندگان در میدان دهمزنگ تجمع کرده بودند و در حال ایجاد محل‌های برای تحصن نامحدود بودند، رخ داد. در این حمله سه

فرد تروریست مشارکت داشت. فرد اول توانست دست به انتحار بزند. فرد دوم انتحار ناقص انجام داد و تروریست سوم بر اثر شلیک گلوله نیروهای امنیتی از بین برده شد (<https://fa.wikipedia.org/2013/05/02/>) در جریان این حمله انتحاری حدود ۸۶ تن جان باختند و بیش از ۲۳۰ نفر دیگر زخمی شدند (<https://www.bbc.co.uk/2/5/1395>). در یک گزارش دیگر در اثر این حادثه تروریستی ۹۰ تن کشته و بیش از ۳۰۰ نفر دیگر زخمی شدند (<https://www.farsnews.ir/2013/05/02/>). شرح حادثه این گونه است که در روز دوشنبه ۲ اسد/ مرداد سال ۱۳۹۵ در جریان تظاهرات میلیونی هزاره‌ها، حمله انتحاری در در محله دهمزنگ، به وقوع پیوست که در اثر آن دست کم ۸۰ نفر کشته و بیش از ۲۳۱ نفر توسط بمب‌گذاران انتحار زخمی شدند (<https://www.irna.ir/2013/05/02/>). در گزارش بی بی سی فارسی آمده است: «در ۲ اسد/ مرداد سال ۱۳۹۵ سه مهاجم انتحاری خود را در میان تظاهرات بزرگی که در میدان دهمزنگ غرب کابل، منفجر کردند که ۸۶ تن کشته و حدود ۴۰۰ زخمی به جا گذاشت» (<https://www.bbc.com/2/5/1395>) این تظاهرات که با عنوان «جنبش روشنایی» برگزار شده بود در اعتراض به تغییر تصمیم دولت در عبور خط انتقال برق وارداتی از ترکمنستان صورت گرفت. این خطوط در ابتدا قرار بود از بامیان رد شود اما در تغییری ناگهانی دولت افغانستان، تصمیم گرفت مسیر سالنگ را انتخاب کند. تظاهرات جنبش روشنایی در ادامه تبدیل به تحصن شد. از آن جا که دولت راه‌های منتهی به خیابان‌های تظاهرات را با موانع بتنی بسته بود، دست رسی آمبولانس‌ها به زخمی‌ها با کندی انجام گرفت که، در افزایش آمار شهدا بی تأثیر نبود (<https://fa.wikipedia.org/>) ۱۳۹۵/۵/۲). داعش مسئولیت این حمله را به عهده گرفت. جان باختگان این حادثه در تپه موسوم به تپه شهدای جنبش روشنایی به خاک سپرده شدند. ریاست امنیت ملی افغانستان در گزارشی اعلام کرد که مواد انفجاری که در این حمله انتحاری به کار رفته است، از نوع «آردی ایکس» است که تنها در اختیار دولت‌ها قرار دارد (همان). ریاست امنیت ملی افغانستان در خبری اعلام کرد، که مولوی خراسانی یکی از سازماندهندگان داعشی این حمله در عملیات نیروهای دولتی در ولسوالی اچین در ولایت ننگرهار کشته شده

<https://www.avapress.com/f> (۱۳۹۵/۵/۲) است. همچنین مدتی بعد، نیروی‌های امنیتی ملی، اعلام کرد: دو نفر از طراحان اصلی حمله بر تظاهرات جنبش روشنایی در دهم‌زنگ و شفاخانه‌ی چهار صد بستر را باز داشت کرده‌اند. ریاست عمومی امنیت ملی اعلام کرد: محمد شریف فرزند در محمد و عبدالواحد از اعضای کلیدی گروه تروریستی داعش در کابل بودند و توسط نیروهای امنیت ملی باز داشت شدند. این افراد اعتراف کرده‌اند که در ۲۹ حمله‌ی بزرگ تروریستی در ولایت کابل دست داشته است (<https://subhekabul.com> / ۱۳۹۵/۵/۲). این حمله تروریستی، خسارت و زیان‌های مالی و انسانی فراوانی را بر مردم هزاره وارد ساخت و تعداد زیادی از افراد تحصیل کرده هزاره در این حمله تروریستی شهید شدند ۳. **حمله بر زایشگاه**

در دشت برچی

یکی از مراکزی که، حمله تروریستی قرار گرفت بیمارستان ۱۰۰ بستر دشت برچی بود. این بیمارستان در دشت برچی واقع شده و پزشکان بدون مرز در آن مشغول فعالیت بودند. این حمله تروریستی، در ساعت ۱۰:۳۰ روز سه شنبه، ۲۳ ثور/ اردیبهشت، ۱۳۹۹، در این بیمارستان رخ داد. سه مرد مسلح در حالی که لباس نظامی پوشیده بودند، وارد بیمارستان صد بستر واقع در دشت برچی، غرب کابل شدند و به شبلیک گلوله به بیماران اعم از زنان، کودکان و پزشکان این بیمارستان نمودند. این حمله تروریستی موجب کشته شدن ۱۶ تن از جمله دو تا نوزاد و زخمی شدن ۱۶ نفر گردید که زخمی‌ها را نیز نوزادان، مادران و برستاران تشکیل می‌داد (<https://fa.wikipedia.org> / ۱۳۹۹/۲/۲۳). براساس یک گزارش دیگر تعداد قربانیان این حمله تروریستی ۱۴ کشته و ۱۵ تن زخمی بوده است (همان). به ادعای پزشکان بدون مرز، زنان و کودکان و نوزادان به صورت سیستماتیک مورد حمله قرار گرفتند. تمامی مهاجمان به دست نیروهای امنیتی افغانستان کشته شدند. دولت افغانستان طالبان و شبکه حقانی وابسته به این گروه را، عامل این حمله انتحاری معرفی کرد و دستور داد اردو، حملات خود را علیه، گروه‌های شورشی از سر بگیرد. طالبان دست داشتن به این حمله را رد. دولت آمریکا گفت: تیراندازی در بیمارستان کابل را داعش انجام داده است ولی دولت افغانستان این ادعای آمریکا را رد کرد (<https://da.azadiradio.com> / ۱۳۹۹/۲/۲۳). دولت

افغانستان معتقد است که طالبان در این حمله تروریستی دست دارد. یکی از پزشکان بدون مرز، فردریک بنوت، گفته است: من یک روز بعد از این حمله به بیمارستان رفتم و هر آنچه را که دیدم حاکی از یک حمله هدفدار به مادران بود. آن‌ها وارد اتاق‌های زایشگاه شده و به مادران شلیک کرده بودند. به دیوارها خون پاشیده بود، روی زمین خون بود، وسایل نقلیه دچار آتش سوزی شده بود. ما می‌دانیم که این منطقه هدف این گونه حملات قرار گرفته بود اما هیچ کسی نمی‌توانست باور کند که آن‌ها بتوانند به زایشگاه حمله کنند. آن‌ها آمده بودند که مادران را بکشند» (<https://www.bbc.com> ۱۳۹۹/۲/۲۳) تروریست‌های وحشی هر کار غیر انسانی‌ای را مرتکب می‌شوند.

۴. جنبش نوروز

حمله انتحاری دیگری که بر مردم هزاره صورت گرفت، در جریان برپایی مراسم نوروز بود. این حمله در روز چهارشنبه اول حمل/ فروردین سال ۱۳۹۷ در زیارت گاه سخی هنگامی که مردم برای برای جشن عید نوروز اجتماع کرده بودند رخ داد که نزدیک به ۳۱ تن کشته و ۶۵ نفر دیگر زخمی به دنبال داشت. طبق گزارش دیگر ۳۳ کشته و ۶۵ زخمی در پی داشت. این حمله‌ی تروریستی در نخستین روز از سال خورشیدی روی داد. مهاجمان جلیقه‌ی انفجاری خود‌شان را در میان جمعیت چند صد نفره‌ای که برای برپایی جشن نوروز در نزدیکی زیارت سخی گرد هم آمده بودند، منفجر کرد. براساس گزارشات منابع محلی بسیاری از کشته‌ها و زخمی‌های این حادثه انتحاری شیعه مذهب هستند. رئیس جمهور افغانستان محمد اشرف غنی، این حمله‌ی انتحاری که به داعش نسبت داده شده است را به شدت محکوم نموده، آن را یک عمل تروریستی و غیر انسانی خوانده بود. قابل یادآوری است که این انفجار در نزدیکی بیمارستان علی آباد و دانشگاه کابل بود (<https://www.mizanonline.ir> / ۱۳۹۹۷/۲/۷) هدف این انفجار مردمی بود که برای تجلیل از نوروز در زیارتگاه سخی کابل اجتماع کرده بودند.

۵. مرکز توزیع شناسنامه

در حالی که مردم شریف، با فرهنگ و وطن دوست هزاره برای ثبت نام و دریافت تذکره/ شناسنامه، در یک مرکزی اجتماع کرده بودند، مورد حمله انتحاری، در ورودی مرکز توزیع شناسنامه در پشت مکتب/ مدرسه مایل هروی در قلعه ناظر در حوزه ششم پلیس کابل، منطقه دشت برچی زمانی که مردم برای گرفتن شناسنامه در مرکز حضور داشتند و کودکان هم به سمت مدرسه می‌رفتند، رخ داد.. این حمله در روز یکشنبه دوم ثور/ اردیبهشت، سال ۱۳۹۷، هنگامی که صدها تن از مردم هزاره در صف دریافت تذکره ایستاده بودند رخ داد و در آن ۷۰ کشته و حدود ۱۲۰ تن دیگر زخمی شدند. طبق گزارش دیگر ۵۷ تن کشته و بیش از صد نفر زخمی به دنبال داشت (<https://www.bbc.com/1397/2/7>). این انفجراز ساعت ۱۰ به وقت محلی در غرب کابل و در پشت مکتب/ مدرسه مایل هروی در قلعه ناظر در حوزه ششم امنیتی پلیس اتفاق افتاد. طبق اعلام وزارت صحت عامه، در این حمله انتحاری ۳۱ نفر کشته و ۵۴ زخمی شدند. وزارت کشور/ داخله اعلام کرده است که فرد انتحاری، پیاده مواد انفجار همراه خودش را در میان افرادی که برای گرفتن تذکره آمده بودند منفجر کرده است. حمله در مقابل ساختمان چهار طبقه‌ی مرکز ساحه یی ثبت احوال نفوس در دشت برچی کابل و در روز یکشنبه دوم ثور ساعت ۹:۵۵، زمانی رخ داد که افراد شامل زنان و کودکان برای اخذ تذکره آمده بودند و در صف انتظار ایستاده بودند. قابل توجه که این مرکز توزیع تذکره در ساحه قلعه‌ی مهتاب، پشت مکتب آصف مایل، در یک ساحه مسکونی واقع شده است (<https://www.avapress.com/1397/2/7>). مسئولیت این حمله تروریستی را گروه داعش به عهده گرفته است.

۶. مجتمع ورزشی خاتم الانبیا

موقعی که تعداد زیادی از جوانان و نوجوانان هزاره در یک باشگاه ورزشی به نام باشگاه ورزشی میوند، واقع در منطقه دشت برچی، برای فراگرفتن فنون ورزشی اجتماعی کرده بودند، از سوی تروریست‌ها مورد حمله قرار گرفتند. این حمله در ۱۴ سنبله/ شهریور، سال

۱۳۹۷ رخ داد. در آن حمله بیش از ۳۰ تن شهید و در حدود ۹۰ نفر دیگر زخمی شدند. حمله‌ی انتحاری اول حدود ساعت ۶ عصر در ورودی ورزشگاه و هنگامی برگزاری مسابقه رخ داد. شاهدان به رسانه‌ها گفته‌اند که تروریست ابتدا محافظان این ورزشگاه را هدف قرار داد و پس از آن یک فرد انتحاری، خود را در دروازه ورودی باشگاه منفجر کرد... کمتر از یک ساعت پس از انفجار اول، صدای انفجار دوم در محل شنیده شد. پس از وقوع اولین انفجار در غرب کابل، انفجار دیگری نیز در بین مردمی که برای کمک تجمع کرده بودند به وقوع پیوست. این انفجار ناشی از یک خود رو بمب گذاری شده بود. براساس گزارشات در این انفجار سه خبرنگار و یک پلیس جان خود شان را از دست دادند (<https://ufuqnews.com/26/5/1398>). در این حمله‌ی انتحاری گفته شده که اولین انتحار کننده خود را منفجر ساخت و انفجار در خودرو بمب گذاری شده رخ داد.

۷. عروسی در غرب کابل

تروریست‌ها هیچ نقطه‌ای را برای مردم هزاره، امن باقی نگذاشتند از مسجد، حسینیه، آموزشگاه، باشگاه، بیمارستان، گرفته تا مجالس عروسی همه مورد حمله این آدم کشان اجاره‌ای قرار گرفت. یکی از آن حملات تروریستی وحشیانه، حمله به یک مراسم عروسی در کابل بود. که در نوع خود بی سابقه بود. این حمله مرگبار تروریستی در ۲۶ اسد/مرداد سال ۱۳۹۸ در ساعت ۱۰:۴۰ دقیقه در یک تالار عروسی به نام (شهر دبی) در مربوطات حوزه‌ی ششم امنی شهر کابل، رخ داد در این حمله انتحاری ۸۰ تن کشته و حد اقل ۱۶۰ نفر دیگر زخمی شدند. در یک گزارش دیگر ۶۳ و ۱۸۲ تن در این انفجار زخمی شدند (<https://www.mashreghnews.ir> / ۱۳۹۸/۵/۲۶). با وجود پیشینه‌ی حملات متعدد انتحاری در کابل، این حمله انتحاری بر یک مراسم عروسی در نوع خود بی سابقه عنوان شده است. در این تالار حدود ۱۲۰۰ نفر به عروسی دعوت شده بودند. در ساعت ده و چهل دقیقه یک حمله کننده‌ی انتحاری که وارد بخش مردانه‌ی، این مراسم عروسی شده بود، مواد انفجاری خود را در نزدیکی جایگاه داماد، انفجار داد. گفته می‌شود در قسمت مردانه‌ی این

تالار عروسی هیچ کس سالم نمانده بود. همه‌ای مردها یا کشته یا مجروح شده بودند. پس از انفجار تا مدت بیست دقیقه سالن پر از دود بود. همه‌ای مردم گریه می‌کردند و فریاد می‌زدند. تا دو ساعت بعد از حمله انتحاری امداد گران مشغول بیرون آوردن قربانیان از داخل سالن بودند (https://www.bbc.com/26/5/1398). این حمله یکی از مرگبارترین حمله‌ی انتحاری توسط تروریست‌های وحشی بود که بر هزاره‌های افغانستان صورت گرفت.

حمله به سالن عروسی «شهردبی» یکی از مرگبارترین حملات تروریستی در زنجیره‌ی حملات تروریستی بر مراکز غیر نظامی مردم هزاره بود. این حمله با محکومیت گسترده‌ی ملی و بین‌المللی رو به شد. در این انفجار حدود ۶۰ تن از افرادی که در این محفل عروسی شرکت کرده بودند کشته و بیش از ۲۰۰ نفر دیگر زخمی شدند. سالن عروسی «شهردبی» در نزدیکی ایستگاه بهادر خان و در کنار جاده فیض محمدکاتب از مربوطات حوزه‌ی ششم امنیتی شهرکابل در غرب کابل، واقع شده است. این حمله با واکنش‌های گسترده‌ی ملی و بین‌المللی رو به رو شد. عبد الله عبدالله رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان حمله بر غیر نظامیان را جنایت جنگی و عمل ضد بشری عنوان کرد. او گفت: تروریستان ثابت کرده‌اند که به هیچ دین و آیینی معتقد نیستند (https://fa.wikipedia.org/26/5/1398). وزیر خارجه وقت آمریکا پمپئو گفت: حمله بر تالار عروسی شهر دبی در غرب کابل، حمله بر انسانیت است (https://www.radiofarda.com/26/5/1398). حمله بر سالن عروسی و کشتن زنان و کودکان و مردم غیر نظامی از مصادیق بارز جنایت ضد بشری و جنایت جنگی است و کشتن ده‌ها تن از شرکت کنندگان در جلسه، مصداق روشن نسل‌کشی محسوب می‌شود.

۸. حملات انتحاری به محله حاج عباس شهر هرات

یکی از نقاط هزاره نشین که چند بار در این سال‌های مورد حمله تروریستی قرار گرفت، محله حاج عباس واقع در شهر هرات است. در زمان جمهوریت تا آن جا که از رسانه‌های جمعی به دست می‌آید، دو بار در این محله انتحار صورت گرفت. یک بار در روز دو شنبه ۱۴ اسد/ مرداد، سال ۱۳۹۸، ساعت هفت و نیم بعد از ظهر، در این منطقه حمله انتحاری به

وقوع پیوست. بر اثر این انفجار که در ناحیه ۹ شهر هرات، در محله حاج عباس و در بازار پر ازدحام، رخ داد، تلفات گسترده‌ای بر جای گذاشت. عبدالحکیم تمنا رئیس بهداشت هرات در گفت و گو با خبرنگار سایت افغانستان خبرگزاری فارس، اظهار داشت: پس از این انفجار، آمبولانس‌ها به منطقه اعزام شدند و بر اساس آخرین گزارش‌ها ۳۰ تن زخمی ۲ نفر کشته را به بیمارستان هرات منتقل کرده‌اند. تمنا گفته بود: پس از دقایقی ۲ زخمی دیگر به بیمارستان منتقل شدند که به دلیل جراحات وارده جان باختند. تمنا تأکید کرد: در میان زخمی‌های این انفجار ۴ زن و ۲ کودک وجود دارد. دکتر جلالی پزشک ارشد بیمارستان هرات در این مورد گفت: در حال حاضر وضعیت ۵ تن از زخمی‌های این انفجار وخیم گزارش شده است. فرزند فروتن، سخنگوی پلیس هرات: مواد انفجاری در بدنه یک موتور سیکلت جاسازی شده بود که منفجر شده است (<https://www.farsnews.ir> /۱۳۹۸/۵/۱۴) باتوجه به گزارشات فوق آمار دقیقی از شهدای این حادثه در دست نیست چرا که احتمال دارد که برخی زخمی‌ها نیز شهید شده باشند.

بار دومی که محله حاج عباس مورد حمله‌ی انتحاری قرار گرفت، سال ۱۳۹۹ بود. در روز ۸ مرداد/ اسد سال ۱۳۹۹، بار دیگر محله حاج توسط تروریست‌ها هدف حمله تروریستی قرار گرفت. در این حمله تروریستی، بمب در یک خود روی مسافری از نوع فلانکوچ کار گذاشته شده بود. انفجار زمانی به وقوع پیوست که که خود رو مسافری از شهر هرات به سمت شهرک جبرئیل که یک منطقه هزارنشین است در حرکت بود. در این انفجار ۴ تن کشته و ۳ نفر دیگر زخمی شدند (<https://www.jomhornews.com> /۱۳۹۸/۵/۱۴). در گزارش دیگری از این رویداد تروریستی به نقل از مقام‌های امنیتی هرات آمده است: «حوالی ساعت ۷ شب چهارشنبه ۷ اسد/مرداد، سال ۱۳۹۹، یک انفجار در این شهر اتفاق افتاده است. به گفته‌ی عبد الاحد سخنگوی فرماندهی پلیس هرات، انفجار ناشی از بمب مغناطیسی بوده که در یک موتور مسافری جاسازی شده بود و در محله حاجی عباس از مربوطات ناحیه نهم و دوازدهم شهر، منفجر شده است (<https://af.shafaqna.com> /۱۳۹۸/۵/۱۴). این موتور مسافری از نوع فلانکوچ بود و سر نشینان این موتور به شمول راننده

هفت بودند. فرهاد افضل‌لی مسئول بخش ارژانس/ بخش عاجل شفاخانه حوزه‌ای هرات اعلام کرد: چهار کشته و سه زخمی از این رویداد به شفاخانه منتقل شده است و در میان زخمیان و کشته شدگان، زنان و کودکان نیز حضور دارند و وضعیت دو تن از زخمی‌ها نیز وخیم است. به روایت عبدالرشید قلندری، وکیل گذر ناحیه نهم شهر هرات، انفجار زمانی به وقوع پیوست که موتر مسافربری از شهر هرات به سمت شهرک جبرئیل در حرکت بود. ابراهیم محمدی، مسئول آمبولانس هرات، می‌گوید: چهار زخمی و سه کشته از محل رویداد به شفاخانه انتقال یافت اما یکی از زخمی‌ها نیز به دلیل شدت جراحات در شفاخانه جان باخت <https://www.farsnews.ir/> /۵/۱۴/۱۳۹۸) به این ترتیب شهدای این حادثه تروریستی به ۵ تن افزایش یافت.

علاوه بر این دومورد دفعات دیگری نیز در محله حاج عباس حمله تروریستی رخ داده است که مربوط به زمان تسلط طالبان بر کشور می‌شود که در بخش خودش گزارش خواهد شد. حمله انتحاری بر مراکز هزاره‌ها به صورت زنجیره‌ای و سیستماتیک در طول این ساها به شیوه‌های مختلف جریان داشته است. ۹. **حمله به تظاهرات کنندگان در کابل**

در ۲۱ ماه عقرب/ آبان ۱۳۹۷ در ناحیه دوم شهر کابل زمانی که مردم از تظاهرات، به سمت خانه‌های شان بر می‌گشتند، حمله‌ی انتحاری رخ داد که در نتیجه‌ی آن ۶ کشته و ۲۲ تن زخمی شدند. حمله‌ی انتحاری در بعد از ظهر روز ۲۱ عقرب/ آبان ۱۳۹۷ در نزدیکی لیسه استقلال در ناحیه ۷ شهر کابل صورت گرفت. مهاجم تظاهراتی خود را منفجر کرد که توسط نیروهای امنیتی در یک ایست بازرسی شناسایی شده بود. قربانیان این حمله تروریستی را معترضان هزاره‌ای تشکیل می‌داد که از شب گذشته در مقابل ارگ ریاست جمهوری دست به تظاهرات زده بودند و خواستار توجه دولت به حملات طالبان به ارزگان، جاغوری و مالستان بودند. معترضان از دولت خواستار کمک ارتش به نیروهای دفاعی مردمی و صدور فرمان رئیس‌جمهور برای حمله به طالبان بودند. در فردای آن روز محمد اشرف غنی خواسته معترضان را قبول کرده بود و معترضان در حال ترک محل بودند که

حمله‌ی انتحاری صورت گرفت (<https://fa.wikipedia.org/21/8/1397>). سخنگوی وزارت داخله اعلام کرده بود که این انفجار حوالی ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۱ عقرب/آبان، سال ۱۳۹۷ در چهار راهی ملک اصغر در نزدیکی لیسه استقلال در مربوطات حوزه‌ی دوم امنیتی شهر کابل رخ داده است. نجیب دانش سخنگوی وزارت داخله تصریح کرد که یک مهاجم انتحاری مواد انفجاری حاملش را در محل تلاشی پلیس در فاصله یک کیلومتری از معترضان منفجر کرده است (<https://www.jomhornews.com/21/8/1397>). وزارت امور داخله در خبرنامه گفت: در حمله انتحاری ۲۱ عقرب/آبان ۱۳۹۷، شش تن به شمول سه خانم، دو مرد و یک فرد نظامی شهید و ۲۰ تن شمول سه فرد نظامی زخمی شدند. در خبرنامه وزارت امور داخله آمده است: «این رویداد تروریستی حوالی ساعت ۱:۴۵ دقیقه بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۱ آبان/عقرب ۱۳۹۷ هنگامی به وقوع پیوست که یک حمله کننده انتحاری مواد همراهش را در نزدیکی یک چک پلینت پلیس در مقابل لیسه استقلال انفجار داد (<https://m.facebook.com/1397/8/21>). براساس اظهارات شاهدان عینی این انفجار در نزدیکی تجمع معترضان رخ داده است که شماری از معترضان نیز در جمع شهدا و زخمی‌های این رویداد هستند. قابل یادآوری است که صدها نفر از باشندگان شهر کابل در شب ۲۱ عقرب/آبان، تا بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۱ عقرب/آبان، در اعتراض به حمله گسترده طالبان به ولسوالی‌های جاغوری و مالستان ولایت غزنی و ولسوالی ارزگان خاص، در مقابل ارگ ریاست جمهوری دست به تظاهرات زده بودند.

معترضان خواهان اعزام نیروهای کمکی و آغاز عملیات علیه طالبان در این ولسوالی‌ها هستند. قابل یادآوری است که طالبان، نزدیک به دو هفته بود، از آن تاریخ که حملات گسترده‌ی بر ولسوالی ارزگان خاص ولایت ارزگان آغاز کرده بود که در اثر آن حملات دست کم ۶۳ غیر نظامی کشته و زخمی شدند. همچنین طالبان شش روز پیش از این تاریخ بالای ولسوالی جاغوری و مالستان، نیز دست به حمله نظامی زده بود (<https://fa.wikipedia.org/21/8/1397>). وزارت دفاع دولت غنی اعلام کرده بود که نیروهای کمکی به این ولسوالی‌ها اعزام کرده است

۱۰. حمله انتحاری در بامیان

در تاریخ ۴ قوس / آذر سال ۱۳۹۹ در شهر بامیان بمب گذاری‌های صورت گرفت. بمب گذاری ۱۳۹۹ بامیان به دو انفجاری گفته می‌شود که در ۴ قوس/ آذر ۱۳۹۹ در بازار شهر بامیان رخ داد. در نتیجه این انفجارها دست کم ۲۰ تن کشته و ۶۰ نفر دیگر زخمی شدند و زنان و کودکان نیز در میان قربانیان این بمب گذاری‌ها وجود داشت. در گزارش دیگر تعداد قربانیان این حمله تروریستی ۱۴ کشته و ۵۰ زخمی بود (<https://www.bbc.com>) 4/9/1399). در طبق گزارش دیگر تعداد کشته‌ها در این انتحار ۱۷ و زخمی‌ها ۵۰ تن بود (<https://www.irna.ir> / 1399/9/4) این حمله تروریستی، حوالی ساعت ۱۶:۴۰ دقیقه بعد از ظهر روز سه شنبه ۴ قوس/ آذر سال ۱۳۹۹ دو انفجار در نزدیکی هتلی در بازار شهر بامیان بوقوع پیوست. به گفته‌ی سخنگوی وزارت کشور افغانستان مواد انفجاری در مقابل فروشگاه انصاف در شهر بامیان منفجر شده است. سخنگوی فرماندهی پلیس بامیان می‌گوید: دو انفجار در ساحه‌ی سه راهی شفاخانه و رو بروی هتل مامانجف رخ داده است. سخنگوی پلیس بامیان به رسانه‌های گفته است: «دو حلقه ماین یکی در جوی آب و دیگری در یک کراچی جاسازی شده بود. بیشتر قربانیان این حمله انتحاری افراد غیر نظامی بودند که در نزدیکی محل انفجارها حضور داشتند. در این قربانیان زنان و کودکان نیز حضور دارند (<https://fa.wikipedia.org> / 1399/9/4). طارق آرین سخنگوی وقت وزارت داخله افغانستان با نشر پیامی در تویتر گروه طالبان را عامل این انفجارها خوانده بود. هرچه طالبان مسئولیت این انفجارها را به عهده نگرفته است. منابع محلی ولایت بامیان گفته اند: شش تن از عاملین انفجارها در شهر بامیان بازداشت شده و برخی از این افراد در تحقیقات اولیه به دست داشتن در انفجارهای چهارم قوس اعتراف کرده‌اند. سید انور رحمتی والی بامیان گفته بود: «براساس معلومات آنها، در این انفجارها، شبکه حقانی نقش داشته است. وی همچنین به تحصن کنندگان گفت: که باز داشت پنجمین فرد متهم، گمانه زنی‌های آن‌ها در مورد دست داشتن شبکه‌ی حقانی را بیشتر کرده است» (<https://fa.wikipedia.org> / 4/9/ 1399) قابل یاد آوری است که عده‌ای از مردم بامیان خیمه‌ای را برای تحصن بر پا کردند. تحصن

کنندگان خواستار چرایی و چگونگی این انفجارها در بامیان شدند. یکی از تحصن‌کنندگان به رسانه‌ها گفته بود: که هدف از راه اندازی این حرکت اعتراضی، پاسخگو ساختن حکومت محلی و مرکزی است تا در پیوند به این حادثه به بامیانی‌ها پاسخ روشن و قناعت بخش ارائه کند این خمیه حدود ۱۳ روز بر پا بود و پس از آن تحصن‌کنندگان به تحصن خود پایان دادند (<https://www.afghanpaper.com> /۹/۴ /۱۳۹۹). این انفجارها واکنش‌های داخلی به دنبال داشت و زیاست جمهوری افغانستان با انتشار اعلامیه‌ای آن را محکوم کرد. همچنین سرور دانش معاون دوم رئیس جمهور افغانستان، این حمله‌ی تروریستی را به شدت محکوم کرد.

۱۱. بمب گذاری در کتابخانه در جبرئیل هرات

در ادامه‌ی زنجیره‌ی حملات انتحاری تروریست‌ها بر مذاکره‌ی فرهنگی و دینی هزاره‌ها، روز ۳۰ قوس/ آذر ۱۳۹۶، در یک کتابخانه در جبرئیل شهر هرات، بمب گذاری صوت گرفت. این بمب درون یک سه چرخه در جلو کتابخانه جاسازی شده بود. در اثر این بمب گذاری ۴ تن کشته و ۱۰ نفر دیگر زخمی شدند. انفجار حوالی ساعت پنج عصر در روز پنج شنبه ۳۰ قوش/آذر، در کنار کتابخانه عمومی رسالت واقع در منطقه جبرئیل هرات «ناحیه دوازدهم شهر هرات» در یک منطقه پر ازدحام رخ داد. مواد منفجره درون زرنج /سه چرخه جازی شده بود. منطقه جبرئیل هرات از مناطق شیعه و هزاره نشین هرات است (<https://hamsenfi.com> /۹/۳۰ /۱۳۹۶) بر اساس گزارش شفقنا به نقل شاهدان عینی، انفجار بر اثر ماین جاسازی شده در یک زرنج کنار کتابخانه رسالت در شهرک المهدی منطقه جبرئیل، صورت گرفت و در اثر آن انفجار، ۶ تن کشته و ۱۷ نفر زخمی شدند (<https://fa.shafaqna.com/30/9/1396>) براساس گزارش خبرگزاری صدای افغان به نقل از شاهدان عینی، فرد مهاجم سه چرخه‌ی خود را در منطقه مذکور کرده و خودش از محل متواری می‌شود که انفجار زخ می‌دهد. آمار مختلفی از تعداد کشته‌ها و زخمی‌های این حادثه تروریستی گزارش شده است. ۶ کشته و ۱۰ زخمی، ۶ کشته و ۱۷ زخمی، ۴ کشته و ۶ زخمی، ۵ شهید و ۱۵ نفر مجروح گزارش شده است. آماري که شفاخانه حوزوی هرات اعلام کرده است ۴ کشته و ۶ زخمی را نشان

می‌دهد. پس از انفجار اول، چند متر آن طرف‌تر، نیروهای امنیتی یک موتور سیکلت مملو از مواد انفجاری را کشف کردند. پس از کشف آن، مواد انفجار از داخل موتور سیکلت بیرون آورده، انفجار داده می‌شود. براساس گفته‌های برخی از نیروهای امنیتی، دو کیلو گرم مواد انفجاری داخل این موتورسیکلت جاسازی شده بود. موتور سیکل مذکور در مکانی رها شده بود که جمعیت زیادی در آنجا مشغول خرید و فروش اجناس دست دوم بوده (<https://www.avapress.com> / ۱۳۹۶/۹/۳۰) است. تروریست‌های مزدور بیگانه برای کشتن مردم بی‌گناه افغانستان بویژه هزاره‌ها، هیچ‌گونه حد و مرزی نمی‌شناسند؛ از وسیله برای قتل عام مردم استفاده می‌کنند و به هیچ‌قشر از مردم نیز رحم نمی‌کنند. اغلب قربانیان این حملات کور تروریستی، زنان کودکان و افراد ملکی بودند. در این حمله‌ی انتحاری نیز، قربانیان این حمله افراد غیر نظامی بودند.

۱۲. حمله انتحاری بر ارزگان

یکی از حملات خونین که طالبان بر دم هزاره انجام داد در ارزگان خاص بود. این حمله در ناحیه اول شهر ترینکوت ولایت ارزگان خاص صورت گرفت که در اثر آن ۵۰ تن کشته و ۴۰ نفر دیگر مجروح گردید. در تاریخ ۶ حوت/ اسفند، ۱۳۹۷ حوالی ساعت ۷:۱۵ شب، یک انتحارکننده، در مسافرخانه‌ای در منطقه‌ی منار از مربوطات ناحیه اول شهر ترینکوت ارزگان جهت حمله انتحاری جا سازی شده بود، مواد انفجاری همراه خودش انفجار داد و در اثر این انفجار تعدادی زیادی افراد از افراد بی‌گناه کشت و زخمی شدند.

براساس گزارش منابع محلی، یک انتحار کننده که در مسافرخانه‌ای در منطقه منار از مربوطات ناحیه اول شهر ترینکوت ولایت ارزگان جهت حمله انتحاری، جابجا گردیده بود، حوالی ساعت ۷:۱۵ شب سه شنبه ۶ حوت/ اسفند، مواد همراهش را انفجار داد و باعث کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از افراد بی‌گناه گردید براساس اطلاعات وزارت داخله، در این رویداد ۴۰ تن از افراد ملکی در محل مجروح و ۱۰ دیگر به شهادت رسیدند.

مجروحان حادثه توسط نیروهای امنیتی به شفاخانه منتقل شدند

(<https://fa.wikipedia.org/6/12/1397>).) براساس گزارش رادیو آزادی، تلفات انتحاری در ارزگان به ۲۰ تن رسیده است (<https://da.azadiradio.com> / ۱۲/۶ / ۱۳۹۷). در گزارش دیگر تعداد تلفات این حمله انتحاری ۱۲ و نفر زخمی‌های این حادثه ۵ تن بود (<https://www.yjc.ir> / ۱۲/۶ / ۱۳۹۷). در این حمله نیز مردم غیر نظامی و ملکی هدف حمله‌ی تروریست‌ها قرار گرفتند.

۱۳. حمله گسترده طالبان بر ارزگان خاص

در تاریخ ۵ عقرب ۱۳۹۷، یک حمله مسلحانه‌ای از طرف طالبان برای سرکوب نیروهای دفاعی و تصرف برخی روستاهای هزاره نشین مانند کندلان، حسینی، حمزه‌ای کاریز و گردچمن که مربوط به ولسوالی خاص ارزگان است، آغاز گردید. این حمله در ۵ عقرب ۱۳۹۷ شروع شد و به سپس به برخی مناطق ولایت غزنی، از جمله مالستان و جاغوری نیز گسترش یافت. در این حملات بیش از ۷۰ تن کشته و بسیاری از مردم زخمی و از خانه‌های شان آواره شدند. طالبان در ساعت ۸ شب، روز ۵ عقرب/ آبان به روستای کندلان حمله وسیعی را آغاز کرد که بعدها دامنه‌ی این حملات به مناطق دیگر ولایت ارزگان و غزنی شامل حسینی، حمزه‌ی، کاریز، گردچمن و زردک و چکتمور شیرداغ از ولسوالی مالستان، گسترش یافت. این حمله زمانی به وقوع پیوست که یکی از فرماندهان خیزش مردمی به نام حکیم شجاعی، به روستای کندلان رفته بود که مورد حمله شدید طالبان قرار گرفت و چند تن از افراد و معاون وی در این حمله کشته شدند اما خود وی توانست، از محاصره‌ی طالبان فرار کند. طالبان پس از تصرف کندلان و حسینی، دست به کشتار مردم ملکی زده و خانه‌ی برخی از مردم محل را نیز آتش زدند و عده‌ای اسیر کردند. دفتر مطبوعاتی والی وقت شهر غزنی اعلام کرده بود که حدود ۳۰۰ خانوار از مناطق کندلان و حسینی به این ولایت آواره شده‌اند. دولت افغانستان یک هفته پس از وقوع حمله طالبان به این مناطق، نیروهای امنیتی را به محل فرستاد اما برخی منابع محلی اعلام کردند که این نیروها در مالستان مستقر شده بودند و به محل درگیر نرفته بودند در ۱۳ عقرب ۱۳۹۷ رئیس جمهور وقت افغانستان یک

هیئت برای ریشه یابی و حل این حمله که آن ار منازعه خوانده بود، تشکیل داد (<https://fa.wikipedia.org/5/8/1397>). کمیسیون حقوق بشر افغانستان، در روز ۱۵ عقرب/ آبان ماه، کمیسیون حقوق بشر، در بیانیه ای، ضمن نکوهش حمله‌ی طالبان به غیر نظامیان، اعلام داشت که در اثر این جنگ افزون بر کشته شدن ۶۳ تن و زخمی شدن تعداد زیادی از افراد ملکی، صدها خانوار نیز به دلیل حمله طالبان از خانه‌های شان متواری شده‌اند. در بخشی از این خبرنامه آمده است: «گروه طالبان از تاریخ ۱۳۹۷/۸/۵، بر روستاهای کند لان، حسینی، کاریز و گردچمن در مربوطات ولسوالی ارزگان خاص ولایت ارزگان حمله کرده‌اند و تا کنون در گیری مسلحانه در این مناطق جریان دارد. این درگیری‌ها می‌تواند، پیامدهای نا گواری انسانی در پی داشته باشد و منجر به نقض بیشتر حقوق بشری باشندگان ارزگان خاص شود» (<http://www.afghandata.org> / ۱۳۹۷/۸/۵) کمیسیون حقوق بشر گفته بود: که نهادهای دولتی باید از حقوق اساسی و بینادین شهروندان افغانستان، که حق زندگی است، حراست کنند و اجازه ندهند هراس افگنان زندگی غیر نظامیان را با خطر مواجه سازند. این نهاد از مسئولان نهادهای امنیتی و دفاعی افغانستان خواسته بود، که هر چه عاجل تر به وضعیت ارزگان خاص رسیدگی کنند و نیروهای امنیتی کافی برای نجات مردم از دست، طالبان اعزام کنند. کمیسیون حقوق بشر از طرف‌های درگیر جنگ نیز خواسته بود که موازین حقوق بشر، را در نظر بگیرند و به رفتار خشونت بار علیه مردم این ولایت پایان دهند» (<https://www.bbc.com/5/8/1397>) نهادهای حقوق بشر، جنگ ارزگان خاص و حمله‌ی طالبان به غیر نظامیان را از مصادیق بارز نقض حقوق بشر و جنایت جنگی می‌دانند.

جنگ ارزگان چندین روز ادامه داشت و بنا بود دولت نیروی کمکی برای دفاع از مردم ارزگان در برابر حملات گروه طالبان اعزام کند ولی این نیروها هیچ گاه به ارزگان نرسیدند. قول اردوی ۲۰۳ تندر، که مسئولیت تأمین امنیت حوزه‌ی جنوب شرق را به عهده داشت و بنا بود نیروهای خود را از طریق ولسوالی مالستان ولایت غزنی به ارزگان اعزام کند، اما فرماندهان این قول اردون، مانع اعزام نیروهای خود به ارزگان شدند (<https://sur.ly/>) (5/8/1397). این جنگ خونین بیش از ده روز ادامه داشت ولی دولت اقدامی برای کمک به

مردم ارزگان و نجات آنان از دست گروه تروریستی طالبان انجام نداد و هیچ نیروی کمکی به منطقه اعزام نکرد. که این عملکرد دولت و نیروهای امنیتی دولت افغانستان حاکی از نوعی تباری بین دولت و گروه تروریستی طالب است.

پس از چند روز درگیری در مناطقی از ولایت ارزگان، درگیری‌ها گسترش یافت و مالستان و جاغوری نیز کشانده شد. در مجموع حدود ۷۰ تن کشته و تعداد نامعلومی نیز مجروح گردید و ۲۵۰ خانوار نیز از خانه‌های شان آواره شدند. محمد محقق معاون دوم رئیس اجرایی تأکید کرد که طالبان در این مناطق مجهز به دوربین‌های شب بین و سلاح‌های لیزیری و انواع دیگر از سلاح‌های پیشرفته هستند. ایشان افزود مالستان و جاغوری پیچیدگی‌های جغرافیایی نیز دارد و نیاز است، برای ختم جنگ در این مناطق، ولایت جاغوری به وجود بیاید و یک قطعه کلان اردو در آن جا مستقر شود (<https://www.avapress.com/5/8/1397>). سخنگوی رئیس جمهور، به نقل از رئیس جمهور گفت: جاغوری به ولایت ارتقا خواهد یافت و برای دفع حملات مخالفان نیروهای ویژه با بمب‌افکن‌ها، به جاغوری فرستاده خواهد شد (<https://8am.media/1397/8/5>). سر انجام پس از ماه‌ها جنگ و درگیری و وارد شدن خسارت مالی و جانی بر مردم مالستان و جاغوری حملات طالبان بر آن مناطق پایان یافت (<https://www.farsnews.ir/1397/8/5>). بررسی همه جانبه جنگ در این دو منطقه نیازمند، تحقیق جداگانه است که در این مقاله نمی‌گنجد و به همین اشاره اجمالی بسنده می‌شود.

۱۳. قتل عام و نسل‌کشی در میرزاوولنگ

حمله به روستای میرزاوولنگ در بامداد شنبه مطابق ۱۴ اسد/مرداد، ۱۳۹۶ در ولایت سرپل به وقوع پیوست. طالبان پس از ۴۸ ساعت درگیری موفق به تصرف این روستا شدند. گفته می‌شود که طالبان پس از تسلط بر این منطقه، ساکنان غیر نظامی این منطقه را به صورت فجیعی کشتند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در گزارشی این، حمله را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته است؛ چرا که این حمله به صورت گسترده و سازمان یافته علیه

یک جمعیت غیر نظامی ارتکار یافته است و موجب کشتار افراد ملکی، بی جا شدن تعداد از خانواده‌ها و به گروگان گرفتن مردم و تخریب و تاراج اموال و ملکیت‌های شخصی افراد گردیده است. در گزارشی از حادثه‌ی میرزاوولنگ آمده است: «در شامگاه پنجشنبه ۱۲ اسد ۱۳۹۶ به روستای میرزاوولنگ حمله کردند و پس از دوشبانه روز در تاریخ ۱۴ اسد ۱۳۹۶ بر روستا مسلط شده و راه فرار مردم را بسته، شماری از مردم را تیر باران کردند و سه نفر را مانند گوسفند سر بریدند و تعدادی دیگر هنگام، اسارت کشته شدند. در این رویداد آمار کشته‌ها بین ۵۰ تا ۶۰ عنوان شده که ۵ زن و ۳ کودک نیز در بین آنان بوده است (<https://fa.wikipedia.org/1396/5/14>). بدون شک این جنایت گروه تروریست طالب به همدستی داعش از مصادیق بارز نسل‌کشی و جنایت جنگی و جنایت بر ضد بشریت است. اگر در کشوری دیگری و بر ضد مردم دیگری به جز هزاره‌ها اتفاق می‌افتاد دنیا شاهد واکنش شدید در قبال آن بود و جانیان و مجرمان این جنایت مورد پیگرد قرار می‌گرفتند ولی در افغانستان و علیه مردم هزاره اتفاق افتاده است. از این رو گوش دنیا کرو چشم‌هایشان کور است.

در گزارش آمده که در شامگاه پنجشنبه ۱۲ اسد ۱۳۹۶ به روستا حمله کرده و پس از دو شبانه روز در تاریخ ۱۴ اسد ۱۳۹۶ بر روستا مسلط شده و راه فرار مردم را بسته و شماری از مردم را تیرباران و سه نفر را سر بریده‌اند و تعدادی دیگر هنگام اسارت کشته شده‌اند. در این رویداد آمار کشته‌ها بین ۵۰ تا ۶۰ تن عنوان شده که ۵ زن و ۳ کودک نیز در میان شهدا بود. ۱۵۰ خانواده به اسارت طالبان در آمدند. ۴۵۱ تن از مردم به روستاهای اطراف متواری شدند. ۲۳۵ تن دیگر در تاریخ ۱۷ اسد ۱۳۹۶ به مرکز شهر رسیدند. در این رویداد تمام اموال مردم به یغما رفته، نابود شد. براساس گزارش‌ها فرماندهی این عملیات را شیر محمد غضنفر از رهبران طالبان که با داعش بیعت کرده بود به عهده داشت. او حد اقل با ۶۰۰ نیروی نظامی از سه طرف به سمت روستای میرزاوولنگ حمله کردند و پس از مقاومت دو شبانه روز مردم، توانستند این روستا را تصرف کردند. طالبان با تصرف این روستا به تیر باران و سر بریدن مردم این روستا که از قوم هزاره بودند دست زدند و سپس جنازه‌های شهدا را در درون گورهای دسته‌جمعی و دره‌ها انداختند» (<https://fa.wikipedia.org/17/5/1396>)

براساس یک گزارش دیگر از شاهدان عینی گروه طالبان بیش از ۵۰ تن از اقرار این روستا را تیر باران کرده و یا سریدند و بیش از ۱۵۰ خانوار را به اسارت گرفتند. اکثر کشته شدگان را زنان و کودکان و افراد مسنی تشکیل می‌داد که نتوانسته بودند از روستا فرار کنند. بسیاری از مردم روستا به مرکز ولایت سرپل فرار کرده بودند. طبق اظهارات منابع محلی، طالبان با دو پرچم سیاه و سفید بر روستای میرزاوولنگ حمله کرده بودند، که نشانه‌ی همکاری آن دو گروه در حمله و کشتار مردم این روستا بود. داعش مسئولیت کشتن ۵۴ تن در منطقه میرزاوولنگ را به عهده گرفته است» (<https://www.pishkhan.com/21/5/1396>).

مدتی بعد که نیروهای امنیتی دولت موفق شدند، روستای میرزا وولنگ را دوباره تصرف کنند، روز سه شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۶ سه گور دسته‌جمعی در دره میرزاوولنگ کشف شد. گفته می‌شود که دست کم ۴۲ جسد از این گورهای دسته‌جمعی بیرون آورده شد. ۲۳ جسد در یک گود، ۱۱ جسد در گور دیگر و ۸ جسد در سومین گور، پیدا شد. به گفته منابع محلی در این گورها، جسد سه کودک سربریده شده نیز کشف شده است. نکته‌ی دیگری که در این رابطه قابل یاد آوری است، حضور جنگ جویان خارجی در حمله به روستای میرزاوولنگ بود. زیرا بر اساس اظهارات شاهدان عینی، نظامیان مهاجم با زبان‌های ترکمن، ازبک و پنجابی پاکستان صحبت می‌کردند (<https://www.jomhornews.com/24/5/1396>). حمله مشترک طالب و داعش با دو پرچم سیاه و سفید بر منطقه‌ی میرزاوولنگ یکی از خونین‌ترین حملات تروریستی گروه طالبان بر مناطق هزاره نشین بود که واکنش‌های وسیع داخلی و بین‌المللی را در پی داشت.

ب) راه‌گیری و سربریدن مسافران هزاره

بخش دیگری از حملات تروریستی بر مردم هزاره در قالب راه‌گیری مسیرهای عمومی و عبور و مرور هزاره‌ها، بود. در طول این سال‌ها، هزاران نفر از هزاره‌های مظلوم در مسیر راه‌ها، قربانی حملات تروریست‌های متعصب و تکفیری شدند. تنها در یک مورد، زبان شهید مزاری که ایشان می‌گوید: بعد از جنگ دوم سیاف با حزب وحدت سه هزار نفر از مردم هزاره

در مسیر بازگشت از ایران به سمت افغانستان در مسیر راه، بین هلمند و قندهار، تار و مار شدند. تا به امروز نمی‌دانیم که این سه هزار نفر ما در کجا کشته شد و برای چه هم کشته شد. شما را به خدا قسم سه هزار گوسفند را مردم یک جا می‌کشند؟ شهید مزاری می‌گوید: «ما مگر انسان نیستیم؟ جزء افغانستان نیستیم؟» (بنیاد رهبر شهید بابه مزاری رحمته، منشور برادری، ص ۱۷۳) ناپدید شدند. و از زمان تولد گروه طالبان، بارها در مسیر راه جلو مسافران و مسافران هزاره از میان مسافران سایر ملیت‌ها جدا شده و مورد شکنجه و آزار و اذیت و در نهایت قتل عام گردیدند. که به چند نمونه مهم آن در این جا اشاره می‌شود:

۱. قتل تازه عروس و سیرده نفر در مسیر ولایت غور

در تاریخ ۳ اسد/مرداد سال ۱۳۹۳، سه مینی بوس حامل افراد ملکی از شهر فیروز کوه، مرکز ولایت غور (چغچران)، عازم کابل بودند. طالبان این موترها را در ۲۵ کیلومتری فیروزکوه متوقف کردند. پس از بازرسی مسافران، ۱۴ تن آن‌ها را به خاطر هزاره بودن شان به فجیعی به قتل رساندند. در میان کشته شدگان یک نوعروس و تازه داماد نیز حضور داشتند. والی ولایت غور به خبرنگاران گفت: تروریستان طالب پس از توقف مسافران، آنان را براساس هویت قومی شان به دو گروه تقسیم کرده و سپس آن‌هایی را که به قوم هزاره منسوب بودند، از میان دیگران جدا کرده است، دست‌های شان را به پشت بستند و سپس همه‌ای آن‌ها را در کنار جاده در یک صف نشانده، گلوله باران کردند. بقیه‌ی مسافران که از اقوام دیگر بودند را رها کردند. والی غور اظهار داشت، تمام قربانیان این رویداد، قبل از کشته شدن، به شکل غیر انسانی شکنجه شده اند که آثار شکنجه‌های غیر انسانی بر بدن شان دیده می‌شود. اعضای خانواده عروس و داماد که در این رویداد کشته شده‌اند از شهر فیروز کوه بودند. بقیه کشته شدگان پنج تن آن‌ها از منطقه‌ی دایمرداد، یک نفر از قربانیان از منطقه‌ی یکاولنگ و یک نفر از پنجاب و یک تن هم از یکاولنگ می‌باشند (<https://www.hazarainternational.com/fa/>) 24/5/1396). قضیه قتل عام ۱۴ مسافر هزاره در ولایت غور بازماندگانی هم داشته است که می‌توان این بازماندگان را به دودسته تقسیم نمود: دسته اول: مسافرانی از سایر اقوام که

(بیشترشان ایماق) بودند که از همان ابتدا توسط طالبان از مسافران قوم هزاره جدا شده و به تپه‌ای دور تر از محل حادثه هدایت شدند و این مسافران معلومات کمتری در مورد چگونگی این اتفاق دارند. دسته دوم بازماندگانی از مسافران هزاره که هدف اصلی طالبان بودند. از این گروه تنها سه نفر توانستند به شکل معجزه آسا از این حادثه جان سالم به در ببرند و در حقیقت شاهدان این صحنه بودند. نخستین فرد پیرمردی از باشندگان اصلی ولسوالی لعل و سر جنگل که با توقف موتر خود را در زیر چوکی فلانکوچ مخفی کرده بود. وی که مقدار پول نقد همراه داشته است، از ابتدا برای مخفی کردن پول هایش به گمان این که این افراد دزد هستند، همراه پول‌ها در زیر صندلی ماشین خود را مخفی کرده بود و تا آخر در همانجا مخفی بوده است و تمام جریاناتی که در اطراف ماشین اتفاق افتاده است را شنیده و در جریان بوده است. فرد دوم: دختر همان پیر مرد یادشده است که وی نیز زمانی که مسافران هزاره را از سایر اقوام جدا کرده‌اند، با مسافری غیر هزاره از ماشین پیاده شده و با آن‌ها در محل دور تر از محل حادثه رفته است. شخص سوم: یک تن از باشندگان اصلی ولسوالی لعل و سر جنگل بود. وی که در زمان قتل هر یک از مسافران در صف قربانیان قرار داشته است، به نحوی معجزه آسا از مهلکه جان سالم به در می‌برد. بازماندن این شخص در واقع یک معجزه‌ی الهی بوده او که در میان شهدا مجروح شده بود، در واقع زنده بود و از دنیا نرفته بود (<https://tolonews.com> /۱۳۹۳/۵/۳). این جنایت اوج توحش و قساوت این گروه تروریستی را به نمایش می‌گذارد.

در باره‌ی عوامل اصلی این جنایت گزارشات متفاوتی منتشر شده است. فرمانده امنیت ولایت غور در گفت و گویی با خبرگزاری جمهور گفته بود: مسئول حمله به مسافران هزاره و بخصوص اهل تشیع را کسی به نام شیخ عمر است. به گفته‌ی او شیخ عمر اجیر دستگاه جاسوسی پاکستان برای ایجاد تنش‌های قومی و مذهبی در ولایت غور می‌باشد. آمر امنیت ولایت غور گفته بود: شیخ عمر هم عقیده داعشی و هم طالبانی دارد. شیخ عمر در گذشته عضو حزب اسلامی بود و یک بار به دلیل تحرکات هراس افکنانه توسط دولت دستگیر و به زندان غور فرستاده شد ولی پس از صلح دولت با حزب اسلامی از زندان آزاد شد» (<https://www.jomhornews.com> 3/5/1393). در مقابل در یک گزارش دیگر عامل اصلی

حمله بر مسافران هزاره در ولایت غور ملارحمت الله مزمل بود. به گفته منابع محلی از ولایت غور، ملا عبدالرحمن مزمل از بر جسته مخالفین مسلح دولت در ولایت غور بود که نقش زیادی در نا امنی‌های این ولایت داشت (<https://www.bbc.com/3/5/1393>). منبعی از ولایت غور گفته بود: که این فرمانده مخالفین مسلح دولت مریض شده بود. هنگامی که با رنجر پلیس به سمت شفاخانه انتقال داده می‌شد، توسط امنیت ملی بازداشت شد. گفته می‌شود که ملا عبدالرحمن مزمل قاتل اصلی چهارده مسافر بی گناه هزاره است که در فیروز کوه از سوی مردان مسلح ناشناس تیر باران کردند» (<https://fa.shafaqna.com/3/5/1393>)، در گزارشی دیگری آمده است که در روز جمعه ۳ اسد/ مرداد ۱۳۹۳ طالبان در ولایت غور به موتر حامل غیرنظامیان حمله کردند و ۱۴ غیر نظامی به شمول یک نوعروس و داماد، دوزن و کودک را گلوله باران کردند... طالبان تروریست پس از تفکیک هویتی و شناسایی مسافران هزاره تمامی آن‌ها در کنار جاده در حالی که همه‌ای آن‌ها زانورده بودند و دست‌های شان بسته بوده است پشت گلوله باران کردند. در میان قربانیان یک نوعروس، داماد و مادر و خواهر عروس نیز شامل بود. آن‌ها می‌خواستند محفل عروسی شان را که یک روز قبل در مرکز ولایت غور برگزار شده بود در منطقه داماد نیز تجلیل کنند عروس و داماد و اعضای خانواده‌ی آن‌ها از شهر فیروز کوه، پنج تن دیگر از منطقه دایمیرداد، یک نفر از پنجاب و یک نفر از یکاولنک و یک دانشجوی آکادمی نظامی از پسابند که می‌خواستند در روزهای عید رمضان در کنار اعضای خانواده شان باشند، از مسافران هزاره در این اتوبوس بودند (<https://www.afghanirca.com/1393/5/3>). مدتی بعد صدیق صدیقی سخنگوی وزارت داخله در نشیت خبری در کابل گفت: عامل این کشتار در عملیات ویژه پلیس زمانی که می‌خواست از شهر فیروزکوه مرکز ولایت خارج شود، شناسایی و دستگیر شد. او گفت: مردم محل در شناسایی و دستگیری این تروریست نهایت همکاری را داشته است. این فرد به نام جلال فرزند جمال الدین معاون قومندان فارون از قومندانان گروه تروریستی طالبان در ولایت غور نام برده شده است. جلال متهم است که علاوه بر کشتار ۱۴ غیر نظامی و یک عروس و داماد، دو کارمند موسسه ورد ویژن و چهار مامور پلیس ترافیک ولایت غور، را نیز

کشته است (<https://alorwaalwothgha.wordpress.com/3/5/1393>). به نظر می‌رسد که همه‌ای این سه نفر در این گروگیری‌ها در ولایت غور به همراه دیگر فرماندهان تروریستی گروه طالبان دست داشتند. چرا که در ولایت غور چند مورد گروگان و قتل عام مسافران هزاره در مسیر کابل - غور - هرات - غور، رخ داده است و تعداد زیادی از مسافران بی‌گناه به دست تروریست‌های آدم‌کش مظلومانه به شهادت رسیدند.

۲. تیرباران چهار مسافر در ولایت غور

در ادامه‌ی کشتارهای هدفمند هزاره‌ها در تاریخ اول برثور/ اردیبهشت ۱۳۹۷، گروه طالبان مسلح چهار نفر مسافر را در ولسوالی دولتیار یکی از ولسوالی‌های ولایت غور تیرباران کردند. مقام‌های ولایت غور تأیید کردند که چهار فرد ملکی در مسیر بزرگ راه غور - کابل تیر باران شدند. براساس گزارشات محلی قربانیان ابتدا توسط مردان مسلح از موتر پایین آورده شدند و سپس هر چهار نفرشان تیر باران شدند. فضل الحق احسان رییس شورای ولایتی غور این رویداد را تأیید نموده و می‌گوید: تمام قربانیان ساکنان ولسوالی لعل و سر جنگل ولایت غور بودند (<https://www.jomhornews.com/29/2/1397>). طبیعی است که ساکنان ولسوالی لعل و سر جنگل از قوم هزاره هستند و قربانیان این حمله تروریستی نیز هزاره بودند. این جنایت تروریستی واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت.

جنرال مراد با نشر تصاویر این شهدا در صفحه فیسبوک خود نوشت که دشمنان سفاک و بی‌رحم مردم ما حتی در ماه مبارک رمضان که ماه مهمانی خدا و ما صلح و بندگی است، از خشونت و بربریت دست برنداشته‌اند. و در ادامه‌ی سلسله خون‌ریزی و فاجعه آفرینی شان، روز چهارشنبه اول ثور چهار از مسافران بی‌گناه و ملکی از مردم لعل و سر جنگل را در مسیر راه غور - دولتیار به صورت ظالمانه به گلوله بستند (صفحه فیسبوک جنرال مرادعلی مراد).

۳. تیرباران سه مسافر در مسیر غور - هرات

در یک چهارشنبه دیگر در روز ۲۹ ثور ۱۳۹۷ سه مسافر دیگر از مردم هزاره در مسیر شاهراه

غور- هرات به دست طالبان مسلح به مقتل رسیدند. براساس گزارشات محلی عصر روز چهارشنبه ۲۹ ثور/ اردیبهشت ۱۳۹۷، طالبان مسلح یک موتر مسافربری را در منطقه بند پایان، متوقف ساخته و سه سر نشسن آن را تیر باران کردند. به گفته‌ی این منابع اقرار کشته شده باشندگان ولایت غور بودند. زلمی کریمی سخنگوی والی غور گفته بود: «طالبان سه تن از مسافران را در مسیر شاهراه غور- هرات، تیر باران کردند. سخنگوی والی هرات افزود: طالبان روز چهارشنبه در منطقه بند پایین، این سه مسافر دکاندار از موتر پایین و بعد به گلوله بستند. از سوی هم گزارش شده بود که نیک زاد گفته بود: بر اثر انفجار ماین کنار جاده یی در شمال شهر فیروز کوه، مرکز ولایت غور، سه نفر ملکی جان باخته‌اند و یک تن دیگر زخمی شده‌اند. هز چند مسئولیت جاسازی ماین را کسی به عهده نگرفته است ولی مسئولان امنیتی گروه طالبان را مسئول آن خوانده‌اند (<https://tolonews.com/fa> ۱۳۹۷/۲/۲۹). این حادثه در تاریخ ۲۸ حمل/ فروردین ۱۳۹۷، رخ داده است. طالبان در طی این سال‌ها با حمایت برخی کشورهای خارجی و با تجارت مواد مخدر و روزگیری از مسافران و مردم ساکن در تحت تصرف این گروه، خسارت‌های زیادی بر مردم بی دفاع افغانستان وارد کردند. قربانیان اصلی این گروه تروریستی مردم هزاره بود. چه در مسیر راه‌های و چه در مناطقی که هزاره‌ها ساکن بودند، همواره این مردم از سوی این گروه تحت فشار قرار می‌گرفتند.

۴. تیرباران سه مسافر دایکندی در مسیر غور- هرات

ولایت غور یک ولایت پر حادثه و نا امن برای مردم هزاره بود. در یک حادثه دیگر افرار ناشناس سه فرد ملکی در همین ولایت تیر باران کردند. سخنگوی والی غور اعلام کرده بود که این رویداد در منطقه بره خانه در حومه‌ی شهر فیروز کوه، مرکز این ولایت رخ داده است. براساس گزارشات محلی از ولایت غور، طالبان مسلح حوالی ساعت پنج صبح روز ... مسافران یک موتر مسافربری از نوع فلانکوچ را در منطقه‌ی «بره خانه» در غرب فیروز کوه از موتر پایین و سپس تیر باران کردند. این مسافران از ولایت دایکندی بودند که می‌خواستند به ولایت هرات سفر کنند. گروه طالبان به سر کردگی ملا احمدشاه غوری بر این شاه راه تسلط

داشته و با ایجاد ایست‌های بازرسی باعث آزار و اذیت مردم می‌شود. چند سال پیش نیز طالبان در همین مسیر کاروان تازه عروس را تیر باران کردند که در آن حادثه عروس و داماد با چندین نفر دیگر به شهادت رسیدند.. سخنگوی والی غور به نام عبد الحی خطیبی در آن زمان به طلوع نیوز گفته بود: «این مردان مسلح در منطقه‌ی بره خانه در حومه‌ی شهر فیروز کوه، مرکز ولایت غور، این مسافران را از موتر پایین آوردند و سپس گلوله باران کرده اند» به منابع محلی، این مهاجمان شماری از مسافران این موتر را نیز ربوده بودند. ولی سخنگوی والی غور گفته بود: که این مسافران دوباره رها شده‌اند. طالبان هر گونه دست داشتن در این رویداد را رد کرده بودند (<https://tolonews.com/fa28/8/1397>). زنجیره‌ای گروگان‌گیری و حمله بر مسافران هزار در مسیر راه‌های مواصلاتی و پرتدد کشور همچنان ادامه داشت و در مسیر غور- هرات، هرات غور. و همچنین مسیر غور- بامیان و برعکس و در سایر راه‌های محل تردد هزاره‌ها بویژه در جلریز، دره قیاق و دشت ناهور، این سریال خونین هر روز از مردم هزاره قربانی می‌گرفت بدون این که اقدام قاطع و سریعی از سوی نیروهای امنیتی دولتی صورت بگیرد.

۵. تیراندازی به سوی مسافران در مسیر هرات- غور

در یک گزارش دیگر، آمده است که افراد مسلح ناشناس به موتر حامل مسافری در نزدیکی بازار بره خانه فیروز کوه تیراندازی کردند که در این رویداد یک مسافر کشته و دو تن دیگر زخمی شدند. اقبال نظامی سخنگوی فرماندهی پلیس غور با تأیید این خبر به پیام آفتاب، گفته بود: که مسافری این موتر اقوام هزاره بودند و می‌خواستند از هرات به فیروز کوه بیایند.. آقای نظامی گفته بود: که این افراد از سوی طالبان تیرباران شده است. منابع محلی در آن زمان گفته بودند: «افرادی که این موتر را هدف قرار داده است، مولوی باز محمد امام جماعت دهکده «جرماتو»، به همراه دو فرد دیگر بودند. «عبد الحمید ناطقی» عضو شورای ولایتی غور گفته بود: «این افراد از سوی هرات به طرف لعل و سر جنگل ولسوالی ولایت غور در حرکت بودند که از سوی افراد مسلح ناشناس تیر باران شدند» (<https://www.payam->

اشاره شده است. بسیاری از حملات تروریستی اتفاق افتاده است که در مرور زمان به فراموشی سپرده شده است. اعلا رحمتی والی وقت، ولایت غور، عاملان قتل این افراد را شورشیان محلی طالب می‌دانست و اظهار داشت: «طالب‌ها پس از شکست از ولسوالی چار سدهی ولایت غور، به کشتار افراد ملکی آغاز کرده‌اند» (<https://fa.shafaqna.com>)، قرائن و شواهد نشان می‌دهد، که عامل این حملات تروریستی و گروگان‌گیری، گروه طالب است.

۶. گروگان‌گیری‌های زنجیره‌ای در زابل

یکی از حوادث تلخی که در زمان جمهوریت در حق هزاره‌ها رخ می‌داد، گروگان‌گیری و اختطاف هزاره‌ها بود. در بسیاری از راه‌های مواصلاتی که محل تردد هزاره از آن بود، اختطاف مسافران هزاره رخ می‌داد. یکی از آن مسیرها راه زابل غرنی بود که بارها این حادثه در آن اتفاق افتاد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

اول: بار اول در ۲۴ ماه حوت سال ۱۳۹۳، درست چند مانده به آغاز فصل بهار، بود که یک خبر ناگوار از رسانه‌ها شنیده شد و دل‌های که گروهی از افرار مسلح نقاب‌پوس اتوبوسی را در شاهراه قندهار- زابل متوقف کردند و از میان مسافران، ۳۱ تن از هزاره‌ها را که شامل زنان، کودکان و کهنسالان بودند، شناسایی کرده و به مبنای کنترل طالبان انتقال دادند. این مسافران که توسط شرکت مسافربری «غزنی پیمان» در راه بازگشت از ایران بودند، توسط گروهی بالباس‌های سیاه و نقاب‌هایی بر چهره، در ولسوالی «شاهجوی» ولایت زابل اختطاف و به مکان نامعلومی منتقل شدند. تروریست‌های نقاب‌پوش ابتدا از همه‌ای مسافران خواسته بودند که مدارک شناسایی خود را نشان دهند و سپس تنها مسافران هزاره با خود برده و بقیه مسافران پس از دوساعت توقف در محل آزاد شدند (<https://www.payam-aftab.com/24/12/1393>).

این گروگان‌گیری جامعه هزاره و حکومت افغانستان را به شدت تکان داد. تلاش‌های حکومت افغانستان برای آزادسازی از طریق عملیات نظامی و مذاکره ناکام ماند و به جایی

نرسید. در نهایت در تاریخ ۲۱ ماه ثور همان سال، ۱۹ تن از اسیران با شماری از تروریست‌های ازبکستانی که در زندان‌های حکومت افغانستان بودند، تبادل و آزاد شدند. بعد از چند ماه در تاریخ ۱۹ عقرب ۵ تن دیگر از اسیران نیز پس از تلاش‌های حکومت و بزرگان قبایل آزاد شدند. سرانجام هفت تن از گروگان‌ها به شمول دو زن و یک دختر ۹ ساله به نام شکریه تبسم و ۴ مرد، توسط تروریستان بی رحم سر بریده شدند (<https://tolonews.com>/۱۳۹۳/۲/۲۱). براساس یک گزارش دیگر، جربان این گروگان‌گیری این گونه توضیح داده شده است: «گروگان‌گیرها که خود را به خلافت اسلامی عراق و شام مرتبط می‌کردند، در اکتبر ۲۰۱۵ میلادی ۳۱ نفر از اعضای قوم هزاره را در غزنی به گروگان گرفتند و آن‌ها را در ارغنداب، از مربوطات ولایت زابل بردند. گروگان‌ها در طول اسارت خود ۵۶ بار از جای به جای منتقل شدند تا از نجاب آن‌ها توسط نیروهای امنیت ملکی افغانستان جلوگیری شود. ۲۰۰ نفر از شورشی طالبان در نبردها با دولت افغانستان به گروه دولت اسلامی (داعش) کمک می‌کردند. در تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۱۵ میلادی مطابق با ۱۷ عقرب، ۱۳۹۴ هفت نفر از گروگان‌ها توسط داعش با تار کاغذ پران سر بریده شدند. چندین منبع از رسانه‌های غربی این اعدام را کشتار اقلیت بی گناه هزاره توصیف کردند. «مارتین بیگلرت»، اظهار داشت: این بارو که گروگان‌ها را با جاقو سر بریدند، یک تصور اشتباه است. آن‌ها را با تارهای تیز شده بادبادک/ کاغذپران زجر کش نمودند» (<https://fa.wikipedia.org>/۱۳۹۴/۸/۱۷) طالبان قربانیان را به بزرگان محلی تحویل دادند تا دفن شود. البته ابتدا، اجساد ر ا به بیمارستان دولتی در زابل انتقال دادند و در بیمارستان سرهای شهدا به بدن شان دوخته شده بود.

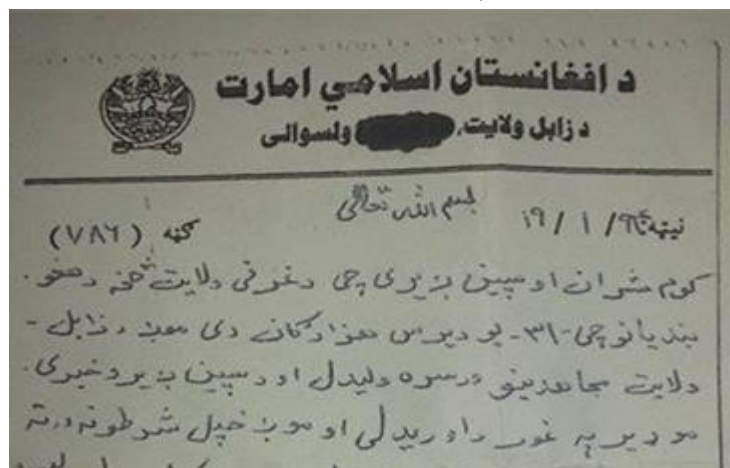
در ابتدای گیری، این جنایت باواکنش دولت و مردم رو برو شد و تلاش‌های زیادی از سوی دولت و مردم و بزرگان قومی، برای آزاد کردن گروگان‌ها صورت گرفت که هیچ کدام به نتیجه مطلوب منتهی نگردید. رییس جمهور سابق حامد کرزی به زابل سفر کرد. براساس آن چه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود، حامدکرزی به همراه عبدالرسول سیاف یک تن از رهبران جهادی به ولایت زابل سفر کرده‌اند تا از نزدیک با گروگان‌گیرها مذاکره کنند (<https://www.farsnews.ir/> 25/1/1394). خانواده‌های ۳۱ مسافر ربوده شده در زابل و

فعالان مدنی در پارک زرنگاه رو به ارگ ریاست جمهوری، تحصن اعتراض آمیز، برگزار کردند. خانواده‌های گروگان‌ها و فعالان جامعه مدنی، ضمن برپایی خیمه دادی خواهی از حکومت خواستند تا آزادی گروگان را در اولویت کاری شان قرار دهند و هم چنان تا آزاد نشدن گروگان‌ها، تلاش برای مذاکرات صلح را نیز متوقف کنند (<https://www.afghanpaper.com/25/1/1394>). تعداد از هنر مندان افغانستان، در انیمیشنی، موضوع ربودن مسافران از قوم هزاره توسط نظامیان طالب را به تصویر کشیده بود. در این انیمیشن، شبه نظامیان در مسیر راه، اتوبوس مسافربری، را متوقف و از میان مسافران، تعدادی را جدا و بقیه را آزاد می‌سازند. این انیمیشن با هدف جلب توجه مقامات دولتی به موضوع گرگیری صورت گرفته (<https://www.farsnews.ir> / ۱۳۹۴/۱۱/۲۳) بود. سر انجام هیچ کدام از این فعالیت‌های به رهایی تمامی مسافرانی که به گروگان گرفته شده بود منتهی نگردید

در مورد عاملان گروگان گیری مسافران هزاره بویژه در گروگان گرفتن ۳۱ نفر از مسافران هزاره در مسیر قندهار-زابل حدث‌ها و احتمالات مختلفی مطرح شد:

احتمال اول این بود که گروگان گیری توسط گروه تروریستی داعش صورت گرفته است. بویژه این که در آن ایام در حالی که گروه تروریستی داعش اقدامات هراس افکنانه‌ی خود را با قدرت هر چه تمام تر در سوریه و عراق به پیش می‌برد و مانند سلول سرطانی در حال گسترش بود، افغانستان که از ریر باز بستر رشد گروه‌های افراطی در منطقه شناخته می‌شد، از این قافله عقب نمانده و زمزمه‌هایی از گسترش این گروه در ولایات مختلف شنیده می‌شد. همین مسایل و نیز اظهارات مقام‌های محلی، باشندگان محل و نیز تحولات منطقه ای، باعث شد تا حادثه گروگان گیری، در «شاهجوی» نیز به گردن شاخه‌ای گروه تروریستی داعش در افغانستان انداخته شود. عبدالخالق ایوبی ولسوال شاهجوی، در اظهارات خود بعد از این واقعه اذعان داشت که آدم ربایان با لباس‌های مشابه با لباس‌های این گروه تروریستی، اقدام به اختطاف نمودند و مردم محل نیز گفتند که ربایندگان با زبانی که برای آن‌ها آشنان بوده است تکلم می‌کردند. البته بر اساس این فرضیه نیز طالبان در این گروگان گیری بدون نقش نبودند. بلکه برخی از فرماندهان طالبان در این جنایت کمک می‌کردند.

احتمال دوم، این بود که گروگان‌گیری توسط خود طالبان با لباس داعش صورت گرفته بود و عامل اصلی این جنایت مانند بسیاری از جنایات دیگر خود گروه طالبان بود. خبرگزاری فارس گزارش داده بود که سه تن از فرماندهان طالبان که در ولایت زابل مسئولیت گروه طالبان را به عهده دارند، با انتشار نامه‌ای اعلام کردند که مسافران را آن‌ها ربوده شده در اختیار آنان قرار دارد. این نامه توسط دوتن از بزرگان قومی ولایت زابل به دست خانواده‌های ربوده شدگان که در خیمه تحصن در شهرکابل مستقر بودند، رسیده بود (https://www.farsnews.ir/ 16/2/1394). طالبان در آن نامه شرایط خودشان را برای آزادی ۳۱ گروگان بیان کرده بود. براساس برخی منابع، گروگان‌گیرهای ادعا کرده‌اند که آنان به دلیل این که گوسفندان کوچی‌ها را باشندگان جاغوری به غنیمت گرفته‌اند، آنان مسافران هزاره را از موتر پایین کرده و با خود بردند. آنان اعلام کرده‌اند: تا زمانی که مردم جاغوری گوسفندان آنان را به صاحبانش تسلیم ندهند، این گروه مسافران را آزاد نخواهند کرد. لطیفه اکبری عضو شورای ولایتی غزنی در واکنش به ادعای گروگان‌گیرهای طالب، گفت: گروگان‌گیری در شاهراه‌های غزنی - قندهار و یا ولسوالی‌های دیگرانگیزه سیاسی دارد و هیچ ربطی به گوسفند و مواشی ندارد (https://af.shafaqna.com/ ۱۳۹۴/۲/۱۶). براساس این گزارش و نامه‌ای که از طالبان منتشر شده است معلوم می‌شود که عامل گروگان‌گیری گروه طالبان است.



در تقویت همین احتمال سوم رد پای ملا عبدالمنان نیازی در گروگان گیری و کشتار هزاره‌ها در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ در ولایت زابل نیز دیده می‌شود و خود او به کشتار هزاره‌ها اعتراف کرده و گفته بود که هزاره‌ها را هر روز و به شیوه‌ای می‌کشد که خود آن‌ها هرگز نمی‌فهمدند (<https://8am.media/25/2/1394>). با توجه به هردو احتمال نقش طالب در این گروگان گیری قطعی است. چرا که در فرض این که گروگان گیری توسط داعش صورت گرفته باشد، به کمک طالب بوده و طالبان تا آخر در کنار آن‌ها بوده است. چنان که اظهارات یک تن از اسرای آزاد شده نیز حاکی از این است که داعش و طالب هردو در گروگان گیری نقش داشتند و اسرا نیز گاهی در اختیار طالبان بودند و گاهی نیز در اختیار داعشی‌ها (<https://www.avapress.com/1394/3/10>). در هردو صورت نقش طالب‌ها در این جنایت حتمی است چه به صورت مباشر و چه به صورت غیر مستقیم و حمایت از داعش، در این گروگان گیری و سربریدن هفت تن از اسیران به شمول یک دختر ۹ ساله نقش داشتند. سربریدن این هفت از مسافران هزاره که در ولسوالی سیاه جوی ولایت زابل احتطاف شده بود، موجی از اعتراض و دادخواهی را در میان مردم اعم از هزاره و غیر هزاره به راه انداخت.. ۲۷ هزار نفر از مردم عزادار هزاره با پای پیاده از زابل هفت تابوت این قربانیان را به کاخ ریاست جمهوری در کابل حمل کردند مردم با به دوش کشیدن جنازه‌های این هفت شهید در خیابان‌های کابل و انتقال آن‌ها به مقابل ارگ ریاست جمهوری، این وقایع را به نوعی نسل‌کشی قومی دانسته و از بی‌کفایتی و عدم رسیدگی مقامات امنیتی کشور به این سلسله حوادث شکایت نمودند و اعتراض و انزجار خودشان از کشتار سیستماتیک هزاره‌ها اعلام کردند.. در میان سربریده شده‌ها، دخترنه ساله به تبسم شامل بود. سربریدن این گروگان‌ها با محکومیت گسترده همراه و باعث شکل گیری جنبشی به نام «جنبش تبسم» گردید. این دادخواهی پایه‌های ارگ ریاست جمهوری و قلوب ارگ نشینان را لرزاند. ارگ نیز در واکنش به این مسئله مردم را دعوت به آرامش نموده و وعده سپرد که مانع شکل‌گیری مجدد چنین وقایعی شود (<https://fa.wikipedia.org/16/2/1394>). این جنایت با واکنش‌های گروگان گیری هزاره‌ها در مسیر زابل - قندهار به این جا ختم نشد و زنجیره‌ای از گروگیری‌ها در مسر

مدت‌ها ادامه یافت. در ۳۰ عقرب سال ۱۳۹۴ دست کم ۲۰ مسافرهزاره در منطقه «ناورک» ولسوالی شاه جوی ولایت زابل از موتر پیاده و با خود به محل نامعلومی بردند. منابع محلی در ولایت زابل گفته بودند: «این افراد از یک موتر مسافربری ۳۰۳ رپوده شده بودند و معلوم نبود که تروریست‌ها این افراد را به کجا منتقل کرده‌اند. محمد قاسم یکی از مسافرانی که صبح شنبه ۳۰ عقرب، از غزنی به طرف قندهار می‌رفت، گفته بود: «پنج نفر مسلح با پیکا و کلاشینکوف که فرمانده آن‌ها لباس پلنگی برتن داشت، در منطقه‌ی «ناورک» نرسیده به منطقه‌ی قلات موترهای ۳۰۳ را توقف داده و به دنبال مسافران هزاره می‌گشتند. قاسم می‌افزاید «این افرار زمانی که داخل موتر شدند، به زبان پشتون سؤال کردند: «تول سره پشتانه ده»؟ به گفته‌ی قاسم، مسافران که بیشتر شان از قوم پشتون بودند باوجودی که می‌دانستند در میان آن‌ها از قوم هزاره هم تعدادی هستند، ولی در جواب افرار مسلح گفتند: بله همگی پشتون هستند. به گفته‌ی قاسم، افراد مسلح بعد از بازرسی به موتر آن‌ها اجازه‌ی حرکت دادند. آدم ربایی به طور دقیق صبح روزشنبه و در همان منطقه‌ی که قاسم گفته بود اتفاق افتاده بود. براساس گزارش از منابع محلی بعد از همان موتری که قاسم مسافران بود، هر موتری آمده بود، مسافران هزاره از میان مسافران جدا و به گروگان گرفته شده بود» (<https://www/bbc.com> ۱۳۹۴/۸/۲۹). خبرنگار بی بی سی که موفق به صحبت با یکی از رانندگان این بس‌ها شده است، به نقل از راننده‌ی مذکور می‌گوید: «افراد مسلح در منطقه ناورک، در حدود ۵۰۰ متری یک پاسگاه پلیس، بس‌ها متوقف و مسافران هزاره را پایین می‌کردند. او گفته است که این افراد چندین بس را متوقف و او نمی‌داند که به طور دقیق چند نفر را به گروگان گرفته‌اند» (<https://www.etilaatroz.com/30/1394>), از سرنوشت دقیق این ۲۰ نفر معلوم نیست

در تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۹۴ چهارده تن دیگر از مسافران هزاره در همین مسیر به گروگان گرفته شدند رئیس پلیس زابل روز شنبه ۳۰ آبان به خبرگزاری رویترز گفته بود: که که از هویت و تعداد و هویت رپوده شدگان اطلاعی ندارد. اما شرکت اتوبوس رانی ویکی از مقام‌های محلی گفته بودند که افراد مسلح سه اتوبوس مسافربری شبانه را در جاده اصلی

کابل به قندهار متوقف کرده و پس از بازرسی مدارک هویت افراد، فقط مسافران هزاره را با خود بردند (https://www.radiofarda.com/ 30/8/1394). در ادامه ی گروگان گیری زنجیره‌ای هزاره‌ها در ولایت زابل، جنرال میرویس نوروزی، فرمانده پلیس ولایت زابل، در ۱۳۹۴/۸/۳۱، اعلام کرده بود که طالبان ۸ مسافر هزاره، دیروز (۳۰ عقرب) در این ولایت، به گروگان گرفته‌اند. فرمانده پلیس زابل گفته بود که بعد از تحقیقات پلیس مشخص شده است که ملاتقوی؛ از فرماندهان طالبان، در این ولایت اکنون گروگان‌ها را در اختیار دارد. به گفته ی نوروزی این گروگان گیری در مسیر راه شاهجوی قلات انجام شده است. آقای نوروزی گفته بود: که فرمانده طالبان مدعی شده که مردم ولسوالی جاغوری، رمه گوسفندان «طالبان» را ربوده‌اند و تا زمانی که مردم جاغوری رمه‌ی آن‌ها را رها نکنند، این گروگان‌ها نیز رها نمی‌شود. محمد جواد وزیر ولسوال شاهجوی گفته است: که افراد مسلح ۱۷ نفر از قوم هزاره را از اتوبوس‌ها پیاده و بعد ۹ نفر آنان را آزاد کردند (https://www.jomhornews.c m 29/8/1394). به این ترتیب زابل به تله گروگان گیری و مرگ‌های فاجعه بار هزاره‌ها شده است حادثه‌ی تلخ، تنها واقعه‌ی از این دست حوادث نبود، بلکه نخستین از سریالی بود که مدت‌ها ادامه دشات که در آن به ظاهر تنها قوم هزاره یگانه قربانی آن تلقی می‌شد، با گذشت زمان، ابعاد وسیع تری از آن نمایان شد. براساس شواهد ارائه شده، پس از آن واقعه، هشت مورد گروگان گیری در ولایت غزنی - زابل اتفاق افتاده است که در مجموع ۸۳ نفر در آن گروگیری‌ها، به گروگان گرفته شده بود و در نهایت ۲۲ نفر از گروگان‌ها شهید و سرنوشت ۵ نفر از آن‌ها نامعلوم و بقیه نیز رها شدند. متأسفانه گروگان گیری و گشتار هزاره‌ها در طول این سال‌ها بارها اتفاق افتاده است که بررسی تفصیلی همه‌ای موارد نیاز مجال بیشتر است. در این تحقیق به همین گزارش اجمالی بسنده می‌شود.

در ادامه‌ای سریال گروگان گیری هزاره‌ها توسط طالبان و سایر گروه‌های تروریستی هم پیمان آنان، ۲۰ نفر از مردم دایکندی توسط طالبان به گروگان گرفته شدند. مقام‌های محلی دولت افغانستان در ولایت دایکندی در مرکز کشور، در آن زمان گفته بودند: که گروه طالبان بیست نفر از رانندگان و دکانداران را از کوتل موسوم به چوقدار ولسوالی کجران این ولایت

گروگان گرفته و با خود بردند. ضامنعلی پویا ولسوالی کجران ولایت دایکندی گفته است: که این افراد روز یکشنبه هفته جاری توسط اعضای گروه طالبان گرفتار و سپس به ولسوالی چارچینوی ولایت ارزگان در همسایگی ولایت دایکندی انتقال داده شدند. به گفته‌ی پویا این افراد همه از مردم شیعه و از قوم بلوچ هستند. در همان زمان آقای پویا گفته بود که درگیری میان نیروهای امنیتی و مخالفان مسلح از ده روز تاکنون در ولسوالی کجران ولایت داکندی ادامه دارد. به گفته‌ی وی، نیروهای طالبان به سلاح‌های سبک و سنگین مجهز و شمار آنان به ۵۰۰ نفر می‌رسد و نیروهای امنیتی ولسوالی کجران در حالت دفاعی قرار دارند و اگر نیروهای کمکی به این ولسوالی اعزام نشود، خطر سقوط این ولسوالی به دست گروه طالبان وجود دارد (<https://middleeastpress.com> /۱۳۹۴/۱/۳). این گروگان‌گیری در تاریخ ۳ حمل/فرودین ۱۳۹۴ در روز سه‌شنبه صورت گرفته است (<https://bsharat.com> /۱۳۹۴/۱/۳) از سرنوشت این گروگان‌ها، اطلاعی در دست نیست.

۷. دره‌های مرگ جلیز و قیاق

تروییست‌ها در تمام مسیرها را برای مسافران هزاره ناامن کرده بودند ولی چند مسیر به دلیل شدت جنایت طالبان به عنوان دره‌های مرگ لقب یافته بود. در هر کدام از این مسیرها، بارها، مسافران بیگناه مردم هزاره توسط تروریست‌ها، به گروگان گرفته شده و به شکل وحشیانه‌ای، کشته شدند. یکی از آن دره‌های مخوف دره‌ی جلیز در ولایت میدان وردک بود. دره‌ی جلیز به معنای واقعی کلمه قتلگاه مسافران هزاره بود. ده‌ها مسافر هزاره در این دره توسط نظامیان طالب از موتر پیاده و به صورت مظلومانه به شهادت رسیدند. در باره‌ی وضعیت دره‌ی جلیز در رسان‌ها چنین آمده است: «جلیز در ۱۸ سال گذشته به «دره‌ی مرگ» معروف بوده است. در طول ۱۸ سال گذشته ده‌ها تن از مسافران هزاره در دره‌ی جلیز توسط طالبانی که همه باشند منطقه جلیز هستند، تیرباران یا سر بریده شده‌اند. از سال ۲۰۱۴ به بعد که اشرف غنی به قدرت رسید، با وجود تکرار کشتار مسافران هزاره هیچ‌گامی برای امنیت جلیز اقدام نشد. در ماه جولای ۲۰۱۵ وقتی پلیس محلی مستقر در جلیز از طالبان

و مردم محل مجاصره گردیدند، اشرف غنی به نیروهای دفاعی اجازه نداد تا به آن‌ها کمک کنند. آن‌ها پس از دو روز مقاومت از طالبان با همکاری مردم محل به قتل رسیدند. همه‌ای سر بازانی پلیس محلی که در ۲۰۱۵ در جلریز قتل عام شدند، از قوم هزاره بودند» (https://www.hazarainternational.com/29/7/1399). تنها در یک مورد در ۲۰ ماه اکتبر سال ۲۰۲۰ میلاد، دو موتر شامل مسافران هزاره در منطقه‌ی «آب بسراغ» ولسوالی جلریز با ماین کنترل از راه دور منهدم گردیدند. شاهد عینی می‌گویند: در این حمله ۱۰ تن به شمول زنان و کودکان کشته شده و ۴ تن دیگر زخمی شده بودند که توسط آمبولانس صلیب سرخ به شفاخانه دولتی میدان وردک انتقال شده بودند» یک شاهد عینی در این ارتباط می‌گوید: «دو موتری که پیش از ما بود یکی فلانکوچ و دیگری تویوتا کرولا با رنک سرمه‌ای بود که ماین طالب تکه تکه شده بودند. پس از انفجار بمب موتر ما ایستاد و ما پیاده شدیم تا کمک کنیم. در همین زمان صدا الله اکبر طالبان از فاصله‌ی دور تری به گوش می‌رسید. آن‌ها با کشتن مسافران بی‌گناه هزاره که شامل زنان و کودکان بود، الله اکبر می‌گفتند» (https://www.hazarainternational.com/29/7/1399)، ده‌ها مورد مانند آن چه بیان شد در این دره هولناک برای مسافران بیگناه هزاره اتفاق افتاده است که هر بار با بی توجهی دولت‌های افغانستان، مواجه می‌شد.

یکی دیگر از مسیرهایی تردد مسافران هزاره لقب دره‌ی مرگ و وحشت به خود گرفت، دره‌ی قیاق در ولایت غزنی بود. این دره‌ی که دریچه‌ی ورود مردم هزاره به از کابل به سمت هزارجات است، یکی از کمن گاه‌های گروه طالبان برای شکار مسافران هزاره بود. هر از چند گاه‌هی این دره از مردم این ولایت قربانی می‌گیرد. در یک حادثه در ۲۱ سرطان/ تیر ۱۳۹۹، موتر مسافربری با برخورد ماین کنار جاده‌ی جان‌دها افراد ملکی را گرفت. این چندین مردم ملکی و بی‌گناه در این مسیر غیر مطمئن و نا امن قربانی ماین کنار جاده و ترور دهشت افگنان گردیدند (https://www.afghanpaper.com/21/4/1399). حکومت هیچ‌گونه احساس مسئولیتی در قبال خون به ناحق ریخته‌ای شهیدان و مردم ملکی بی‌گناه نداشتند. دریک اقدام وحشیانه‌ی دیگر، پنج تن از افراد ملکی هزاره را در قیاق غزنی، زنده به آتش

سوزاندند. مقامام محلی ولایت غزنی در آن زمان اعلام کرده بودند که در نتیجه یک کمین طالبان، در دره‌ی قیاق ولسوالی جغتوی، این ولایت پنج تن از افراد هزاره را، زنده به آتش سوزاندند. خبرگزاری صدای افغان (آوا) گزارش داده بود که بصیر احمد فقیری، رئیس شورای ولایتی غزنی، به خبرنگار آوار گفته بود: که عصر روز گذشته در نتیجه کمین طالبان در دره قیاق ولسوالی جغتوی این ولایت، پنج تن جان باختند. فقیری افزود: به دلیل این که موتر این افراد با راکت مورد حمله قرار گرفت، اجساد آنان زنده در آتش سوخته است. مسئولان ریاست صحت عامه غزنی تأیید کرده بود: که پنج جسد سوخته به شفاخانه به این ولایت انتقال یافته است. جالب این که گفته شده بود: این کمین در نزدیکی پاسگاه‌های نیروهای امنیتی در این دره، رخ داده است. فعالان مدنی ولایت غزنی گفته اند: که این افراد توسط طالبان به صورت زنده، به آتش کشیده شدند (<https://parsi.euronews.com/۲/۲۹/۱۳۹۹>). این یک نمونه از ده‌ها و صدها جنایت گروه تروریستی طالبان.



خبرگزاری صدای افغان (آوا) به نقل از نصیر احمد فقیری رئیس شورای ولایتی غزنی گزارش داد که در نتیجه کمین طالبان در دره قیاق ولسوالی جغتوی این ولایت پنج تن جان باختند.

فقیری افزود به دلیل این که موتر این افراد با راکت مورد، حمله قرار گرفته است، اجساد آنان سوخته است. مسئولان صحت عامه غزنی نیز تأیید کردند که پنج جسد سوخته به شفاخانه این ولایت انتقال یافته است. گفته شده که این کمین در نزدیکی پاسگاه‌های نیروهای امنیتی در این رده رخ داده است. برخی فعالان مدنی غزنی می‌گویند: این افراد توسط طالبان به صورت زنده، به آتش کشیده شده‌اند (<https://www.avapress.com/29/2/1399>).

حاج محمد محقق، رئیس حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان، در صفحه فیسبوک نوشته بود؛ طالبان پنج تن از مردمان مسافر قوم هزاره در دره‌ی قیاق غزنی زنده در آتش سوزانده شدند. این نسل‌کشی از سوی آنان تازگی ندارد و این اعمال ضد بشری در دره مرگ قیاق به یک رویه روز مره تبدیل شده است (<https://fa-ir.facebook.com.hajimohammad>) (mohaqq 29/2/1399).

۸. دشت وحشت و مرگ

یکی از مسیرهایی که به قتلگاه مسافران بی گناه هزاره تبدیل شده بود، دشت قره‌باغ بود. در این صحرا نیز ده‌ها انسان بی گناه هزاره شکار تروریست‌های وحشی طالب شدند. طالب مسافران بی گناه هزاره را در این دشت از ماشین پیاده کرده و با سخت‌ترین و سبعانه‌ترین روش به شهادت می‌رساندند. برای بیان اوج جنایت طالبان در این دشت متن نوشته یک نفر از جوانان اهل قلم از ولایت غزنی را که در خود شاهد برخی از وحشی‌گری‌های این گروه بوده است می‌آورم: «قره باغ را در تاریخ بیهقی از خواجه ابوالفضل بیهقی دبیر، دبیر دربار پادشاهان غزنوی، هزار باغ آورد ه است که شکارگاه شاهان غزنوی بوده است. دبیر بزرگ غزنوی در وصف این دیار، مرغزاران، آداب شکار کردن آن، صفحه‌های زیادی را نگاریده است. وی در کنار این دشت نیکو از منطقه‌ی سراب غزنی و دشت‌های اطراف شهر و به ویژه نی قلعه و یا قلعه‌ی نای به فروانی سخن رانده است. در آن روزگار پادشاهان شادکام و شادگشت غزنوی برای چکرهای گلگشت این دیار از شهر غزنین برون می‌آمدند و روزهای زیادی در آن به شکار می‌پرداختند که شکار شیر نیکوترین آن بود

اکنون اهالی هزارباغ گذشته و قره‌باغ امروز که بیشتر از مردمان پشتون و یا مردان گستاخ و بیباک از دیاران دیگر است به جای شکار شیران و تفریح نیکوی مغزاران، مردان هزاره را شکار می‌کنند که خود نقش بسیاری در بالندگی حاکمیت فرهنگی و سیاسی غزنویان دیروز و حکومت‌های امروز افغانستان داشته و دارند. خواجه ابوالفضل بیهقی دبیر از مردان بسیار هزاره که در آن زمان به غرجستانی‌ها معروف بودند به نیکویی یاد می‌کند.

دشت قره‌باغ را من دشت وحشت نامیده‌ام و مردمی که از این مسیر رفت و آمد می‌کنند، می‌دانند که چه می‌گویم. این دشت خاطرات تلخ و نگفته‌های زیادی را در سینه‌ی نگفته‌ی خود دارد که باید وا شود. هزاره‌های زیادی به جرم واهی و تنها به جرم هزاره بودن و متفاوت زیستن و نگرستن در این دشت سر به نیست شده‌اند. هنوز دشت وحشت به یاد دارد که مردان زیادی بدون گناه و جرمی بدست مردان سپاه اندیش و سپاه نگر طالب و مردمان اسیر در سپاه چاله‌های نادانی و جهل قره‌باغ پایین از ماشین پیاده شده و در جا تیر باران شده‌اند. این اعدام‌های صحرائی گاهی آن قدر خشین و بی رحمانه بوده است که یاد آوری آن لرزه بر اندام آدمی می‌اندازد.

دشت قره‌باغ به یاد می‌آورد که مردان ژنده پوش و پیچیده در لباس‌های خاک آلود، با ریش‌های بلند آلوده، زندگی جوانانی را بریده‌اند که در زیبایی و پاکی ماهوش بوده‌اند. عقده‌های دیرینه‌ی دینی، مذهب سنتی و قومی باعث شده است که سپاه جهل با سخت‌ترین نوع شکنجه جان مردان هزاره را با بیرحمی تمام بگیرند. این گستاخانی شکنجه‌گر نخست برخی از این مردان را به سختی شکنجه کرده‌اند، سپس استخوان‌های آنان را خرد کرده و در آخر به گلوله بسته‌اند. برخی را نخست چشم کشیده‌اند، بعد ناخن‌های دست و پای شان را در آورده‌اند و در آخر با شعله‌های آتش گاز سوزانده‌اند. برخی را پس از شکنجه‌های سخت، صورتشان را خرد کرده، دندان‌های شان را کشیده و در آخر با نخ نایلونی از شکم ذبح کرده‌اند. این بیرحمی صحرائی آن قدر تلخ و زنده بوده است که وقتی جنازه‌های قربانیان را به جاغوری و جاهای دیگر آورده‌اند، مردان حکومتی از دیدن جنازه‌ها توسط مردم جلوگیری کرده‌اند تا باعث ترس بیشتر و وحشت مردم نشوند.

آگاهانی درگیر منطقه می‌گویند از دشت قره‌باغ باید نوشت اگر نه مانند دشت شاجوی و قتلگاه کنده پشت در میانه‌ی بزرگ راه غزنین و قندهار از خاطره‌ها فراموش می‌شود. در کنده پشت همین مردان سیاه اندیش و ژنده پوش، مردان زیاد هزاره را به سخت‌ترین شکنجه به کام مرگ فرستادند که هنوز از آن در میان مردم به تلخی یاد می‌شود. چندی پیش وقتی از قتلگاه کنده پشت گذشتم هنوز استخوان‌ها و لباس‌های قربانیان جنایات جنگی طالبان و حامیان سوگند خورده‌ی آنان به چشم می‌آمدند. از ماشین پیاده شدم و دسته گلی سپیدی را که با خود آورده بودم به آنان تقدیم کردم تا از تنهایی، فراموشی و مظلومیت آنان یاد کرده باشم. فاتحه‌ی خواندم و قطره اشکی بدرقه‌ی راه رفته‌ی آنان کردم. این قربانیان گمنام آن قدر مظلومانه جان سپرده‌اند که اشک چشمی آنان را بدرقه نکرده‌اند. مردم ما باید قربانیان کنده پشت را به یاد داشته باشند همان طور که قربانیان ارزگان، چهل دختران، افشار و غرب کابل را به یاد دارند. لذا از دشت قره‌باغ باید نوشت تا قتلگاه کنده پشت فراموش نشود.

مردم ما حکایت‌های زیادی از دشت قره‌باغ دارند. سلام حکیمی - شاعر و نوسنده‌ی خوب دیارم که اکنون دفتر دار رییس مجلس افغانستان محترم قانونی است. شبی با من می‌گفت: که در دشت قره‌باغ بدست طالبان افتادم. پس از لت و کوب فراوان مرا به پشت گردنه هدایت کردند و روی سنگی نشانند تا نشانه زنی آنان باشم. وقتی دو طالب مامور شدند که نشانه ام زنند. به حضرت زهرا توصل جستم و گفتم که بانو دستم به دامن. زبانم گیر کرده بود و نمی‌توانستم چیزی بگویم. وقتی متوصل به حضرت زهرا شدم، زبانم باز شد و گفتم که مولوی صاحب اگر من را بکشید فردا در پیشگاه حضرت حق و محمد مصطفی ﷺ شرمنده خواهید شد که دیگر جبران پذیر نیست، چون من سلام حکیمی نیستم و مرد غریبی از دیار مالستانم که تازه از ایران آمده‌ام. با این سخن، طالبان به هم نگاه کردند و از من دور شدند، لحظه‌ی بعد فرمانده شان به من نزدیک شد و شروع به پرس و جو و تهدید کرد که اگر راست بگویی که سلام حکیمی هستی، ترا نمی‌کشیم اما اگر اثبات شود، به بدترین وضع خواهی مرد. از آنان اصرار بود و از من انکار. این انتظار بین مرگ و زندگی تا شب ادامه داشت. شب ما را به جای دوری در روستای پشتون نشین بردند و شروع به تحقیق

کردند، در نیمه‌های شب پس از شکنجه‌های بسیار جسمی و روحی پس از اثبات نشدن حکیمی بودن، ما را رها کردند

غلام سخنی ابراهیمی روزی درشت برچی می‌گفت که ما چهار نفر بودیم که در دشت وحشت اسیر مردان طالب شدیم. طالبان پس از پیاده کردن ما نخست به جست و جوی بدنی ما پرداختند. آنان گویا به دنبال مردی که قبلاً گزارش شده بود، می‌گشتند. طالب‌ها اول ما را تهدید کردند که بگوییم ما چه کاره ایم. وقتی موفق نشدند از زور استفاده کردند، آن قدر ما را زدند که از حال رفتیم. به هوش که آمدم دیدم که دارد ناخن‌های یکی از دوستانم را با انبور در می‌آورند. او ناله می‌کند و فریاد می‌کشد. وقتی او را در میان خون رها کردند به سمت دیگری رفتند و با کندانق تفنگ به دهان او کوبیدند و دندان‌های او را در دهان خرد کردند. آن وقت دوباره به طرف من آمد و لباس بالا تنه‌ی من را در آورد و گفت که خال روی شانه ات کجاست. گفتم روی شانه ام خال نداشتم. به همراهش گفت که بازوی چپش را نگاه کن شاید نشانی آنجا باشد. وقتی نیافتند شروع به زنگ زدن کردند که: مرد دیوانه! تو گفتی که آن‌ها با این نشانی در کورولای سرخ رنگ حرکت کردند. این‌ها که نشانی‌های تو را ندارند. مرد فارسی زبان از آن طرف می‌گفت: که به والله دروغ نمی‌گویم. سرانجام پس از شکنجه‌های بسیار ما را در میان دشت رها کردند و خود سوار بر موتورهای پاکستانی شان دشت را ترک کردند

دشت وحشت قره‌باغ برای مردم هزاره یاد آور دشت‌های خونین شمال قندهار، دره‌های ارزگان، بلندای چهل دختران، بیرحمی‌های افشار و حوادث تلخ دشت برچی و غرب کابل است. آیا بهتر نیست بزرگان و قلم بدستان ما به جای باریکه‌ی غزه، آزادی قدس شریف، جنوب لبنان که البته در جای شان همه مهم‌اند و ده‌ها حوادث و پدیده‌های که ارزش همجواری خبری زیادی برای مردم ما ندارند، قلم را لختی بر قربانیان دشت وحشت قره‌باغ بگریانند. آیا وقت آن نرسیده است که برای جلوگیری از این همه فجایع چاره‌اندیشی شود» (<https://vimeo.com/29/11/1388>) دل‌های افراد این گروه مانند سنگ سخت است و خداوند ذره‌ی رحم و رقت در این دل‌ها قرار نداده است. کشتن و شکنجه انسان‌ها بهترین و لذت‌بخش‌ترین تفریح یک طالب است.

۹. کشتن مسافران هزاره در منطقه زارع - بلخ

مقام‌های پلیس ولایت بلخ در شمال افغانستان اعلام کردند که در افراد مسلح ناشناس ۱۳ مسافر را حوالی ظهر روز شنبه ۱۴ سنبله/شهریور ۱۳۹۴، در حد فاصل ولسوالی‌های آق کپرک و ولسوالی زارع این ولایت از موترها پیاده و تیر باران کردند. مقام‌های محلی در آن زمان اعلام کردند که افراد مسلح، لباس نیروهای امنیتی را بر تن داشته و این مسافران را تیر باران کردند. تمام این مسافران از قوم هزاره و از منطقه مغزار ولسوالی زارع ولایت بلخ و منطقه‌ی باجگاه ولسوالی بلخاب ولایت سرپل بودند و از مغزار به سمت مزارشریف در حرکت بودند. سه نفر از افراد کشته از قریه مغزار هستند و یک نفر سرباز اردوی ملی نیز در میان کشته شدگان بود. شش نفر دیگر از مردم باجگاه و بقیه‌ی آن‌ها از منطقه پشته گردنه و زیر گردنه هستند که در نزدیکی مغزار موقعیت دارد. گفته می‌شود که این مسافران در دو موتر سوار بودند که در مسیر را از سوی افراد مسلح متوقف شده و تیر باران شدند (<https://www.etilaatroz.com>/۱۴/۶/۱۳۹۴).

جعفر حیدری سرپرست شهر ولسوالی زارع ولایت بلخ با تأیید این خبر گفته بود: «تعداد چهار ده نفر از مسافران که یکی از آن‌ها زن است، پس از پیاده شدن از ماشین توسط افراد مسلح ناشناس تیرباران شدند وی افزودون در این حادثه به زنی که در جمع مردان بوده، آسیبی نرسیده است و در حال حاضر به مکان امنی منتقل شده است» (<https://www.radiofarda.com>/۱۴/۶/۱۳۹۴). طالبان در آن زمان با انتشار بیانیه‌ای این حادثه را محکوم کردند. ولی مدنی بعد منابع محلی از دستگیری، قتل و زخمی شدن سه نفر از کسانی که خبر می‌دهد که در شهادت مسافران بلخابی نقش داشتند. عبدالرزاق قادری آمر امنیت پولیس در فرماندهی امنیه بلخ در صحبت تلفنی با خرگزاری جمهور، اعلام کرد که فرد دستگیر شده قاری حبیب الله نام دارد و یکی از فرماندهان طالبان در همین ولسوالی به شمار می‌رود. همچنین آقای قادری هویت شخص کشته شده را ثمرالدین معرفی نموده است ولی در مورد هویت فرد زخمی شده چیز نگفته است (<https://www.jomhornews.com>/۱۴/۶/۱۳۹۴). براساس همه‌ای قرائن و شواهد عامل حمله بر مسافران هزاره در بسیاری از مناطق گروه طالبان بوده است.

۱۰. مسیر سرپل

در اوج تبلیغات ریاست جمهوری و شورای ولایتی افغانستان، یکی از کارندیدهای شورای ولایتی، در ولایت سرپل به نام انجنیر حسین نظری که از مردم هزاره و از ولسوالی بود. در تاریخ ۱۰ حمل ۱۳۹۳ چند مانده به روز برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی، شهید نظری به همراه نه نفر از همراش به سمت سرپل در حرکت بودند. حوالی ساعت ۳ بعد از ظهر، در ولسوالی سوزمه قلعه در منطقه بغاوی، برای ادای نماز ظهر و عصر توقف کرده بودند. نماز ظهر و عصر را در یک مسجد اقامه نمودند و آماده‌ی حرکت به سمت سرپل بودند، که توسط ۲۴ نفر طالب مسلح، به انواع سلاح‌های سبک و سنگین رسیدند و شهید نظری و همراش را به گروگان گرفته، با خودشان بردند. دو شبانه روز در همان منطقه نگه داشته شدند. در شامگاه روز ۱۲ حمل ۱۳۹۳ در اول اسرا به دو دسته جوان و مسن تقسیم شدند. جوان‌ها را به سمت چهارباغ بردند و در ساعات اول شت در منطقه‌ای به نام دره‌ی دشتی نزدیک چهارباغ همه را تیرباران کردند و افراد مسن را حوالی ساعت ۱۱ شب در همان منطقه بغاوی در خیل محمد امان تیربازان کردند. که از بین این افراد مسن یک نفر از باب اتفاق زنده می‌ماند. باو خودی که چند تیر به او اصابت کرده بود ولی بازهم زنده می‌ماند و پس از رفتن طالب از منطقه فرار می‌کند. بدن شهدا در هر دو منطقه رها می‌شده بود. نیروهای امنیتی در منطقه بغاوی در اول صبح، بدن شهدا را دیدند و در منطقه چهار نزدیکی‌های ظهر، بدن شهدا توسط نیروهای امنیتی پیدا شد. عامل این گروگان‌گیری طالبان پشتون در منطقه‌ی سوزمه قلعه، به فرماندهی، کسی به نام مولوی اجمل و حسین افتخاری بودند. طالبان در ابتدای گروگان‌گیری مبلغ پول در قبال آزادی شهید نظری و همراه هانش خواسته بودند که در آخر زیر قول شان زدند و به هیچ وجه حاضر به آزادی گروگان‌ها نشدند (مصاحبه با بستگان شهدا). اسامی شهدای در این حادثه از این قرار است: ۱. انجنیر حسین نظری کاندیدای شورای ولایتی ۲. حجت الاسلام حاج فاضل کریمی ۳. کربلایی محمد موسی کریمی ۴. عوض نوری ۵. محمدکاظم کریمی ۶. رسول دانش ۷. مهدی نظری ۸. رضا صادقی ۹. حجت الاسلام غلام رضا محمدی که از

مجموع ده یک نفر یک نفر به شکل معجزه آسایی زنده مانده بود. شش مرمی به بدنش اصابت کرده ولی خوشبختانه به جاهای حساس بدنش نخورده بود و بدین ترتیب زنده مانده بود. اما نه نفر دیگر به شهادت رسیدند. بیشتر این افراد از قشر فرهنگی بلخ‌نشین بودند. دو تا روحانی و سه دانشجو و شخص انجینر حسین نظری. براساس اظهارات بازماندگان این شهدا دولت در آزادی این شهدا کوتاهی کرد. گفته شده است که بعد از این گروگان گیری پدر قاضی اجمل که قاضی محلی طالبان بود، را دولت دست گیر کرد و او روز سه شنبه مطابق با ۱۲ حمل آزاد کردند. پس از آزادی پدر قاضی اجمل در روز ۱۲ حمل در ساعت ۱۱ همان شب طالبان اسیران به طور فجیعی تیر باران کردند (مصاحبه هانواده شهدا). متأسفانه بی تفاوتی‌ها و حمایت‌های رئیس جمهور غنی و کرری از هم تباران شان، سر انجام کشور را به باتلاق تروریزم فرو برد.

۱۱. گروگان گرفتن جواد ضحاک و ترور او

در ادامه‌ی راه گیری و اختطاف مسافران هزاره توسط گروه طالبان، این بار در مسیر دره غور بند، محمد جواد ضحاک رئیس شورای ولایتی بامیان را به گروگان گرفتند. محمد جواد ضحاک فرمانده نظامی سیاستمدار و رئیس شورای ولایتی بامیان افغانستان و از قوم هزاره بود. ضحاک در تاریخ ۱۴ جوزا/خرداد سال ۱۳۹۰ هنگام بازگشت از جلسه رؤسای شوراهای ولایتی افغانستان از هرات، در منطقه غوربند ولایت پروان به دست نیروهای طالبان و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار اسیر و پس از سه روز در تاریخ ۱۷ جوزا،/خرداد سال، ۱۳۹۰ به دست طالبان با شلیک گلوله به سرش کشته شد (<https://fa.wikipedia.org/>)
پس از ربوده شدن ضحاک ربایندگان خواستار آزادی ملابرهان غنذکی در برابر آزادی جواد ضحاک شدند اما دولت وقت خواسته آنان را، نپذیرفته بود و تلاش‌های هیئتی که از طرف بامیان برای آزادی وی تشکیل شد، نتیجه نداد و نتوانستند کاری کنند. ربایندگان، وی و سه تن از همراهانش را پس از شکنجه فراوان به شهادت رساندند (<https://fa.wikipedia.org/> /۳/۱۵/۱۳۹۰).

طبق یک گزارش دیگر از جریان اسارت و شهادت جواد آمده است: «آقای ضحاک روز جمعه، ۱۴ جوزا/خرداد سال ۱۳۹۰ در راه برگشت از کابل به طرف بامیان، در منطقه‌ی به نام پل غوربند که بین ولسوالی سیاه گرد و منطقه چهارده ولایت پروان موقعیت دارد، از سوی افراد ملامطیع الله ربوده شد. ملا مطیع الله از قومندان‌های عبدالستار خواصی عضو مجلس نمایندگان و مربوط به حزب اسلامی گلبدین حکمتیار است. خبرهای در رسانه‌ها منتشر شده بود که اختطاف گران، در مقابل آزادی آقای ضحاک خواستار آزادی ملابرهان غندکی شده است. ولی هیئتی که برای مذاکره با اختطاف گران رفته بودند، گفته بودند که اختطاف کنندگان خواست مشخصی ندارند. حاج حسین ترکمنی عضو هیئت مذکره کننده با اختطاف گران، به خبرنگاران گفته بود: ما اجازه‌ی دیدن آقای ضحاک را نداریم ولی ریش سفیدان و متنفذین غوربند، آقای ضحاک را از نزدیک دیده‌اند و نظر به گفته آنان، ایشان در صحت کامل به سر می‌برد (<https://www.hazarapeople.com> /۳/۱۴ /۱۳۹۰). سر انجام تلاش‌ها و مذاکرات هیئت اعزامی به ولایت پروان به نتیجه نرسید و در ۱۷ خوزا/خرداد ۱۳۹۰ جواد ضحاک و سه تن از همراهانش به دست ربایندگان تروریست به شهادت رسیدند عده‌ای زیادی از مردم بامیان در مسجد رهبر شهید در مرکز این شهر، تجمع کرده بودند و خواستار آزادی ضحاک و همراهانش شدند.

تروریست‌های راه زن براساس مکتب فقهی خودشان نیز محارب محسوب می‌شوند. در کتاب الفقه علی المذاهب الاربع و مذهب اهل بیت، آمده است که ائمه چهار گانه اهل سنت اتفاق دارند که کسانی که راه‌های عمومی مردم را نا امن می‌کنند و مردم را تهدید می‌کنند، در حکم محارب‌اند و باید حکم محارب بر آن‌ها جاری شود. متن عربی این فتوای که مورد اجماع فقهای چهار گانه اهل سنت است: «اتفق الأئمة علی أن من خرج فی الطریق العام و أشهر السلاح مخیفا لعابر السبیل خارج المصر حرا أو عبدا، مسلما، أو ذمیا، أو مستأمنا، أو محاربا، فإنه محارب قاطع للطریق جار علیه أحكام المحاربین، و لو كان واحدا» (عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربع و مذهب اهل بیت علیه السلام، ج ۵، ۶۰۷)؛ هرکسی که برای ترساندن عابران در راه عام، خارج از شهر اسلحه

بکشد، آزاد باشد یا بنده، مسلمان باشد یا ذمی، مستأمن باشد یا حربی، محارب و راه زن است و احکام محارب بر او بار می‌شود.». براساس این فتوای که مورد اجماع تمام مذاهب چهار گانه است، نا امن کردن راه عمومی حتی برای کفار حربی، حکم محارب را دارد و باید احکام محارب بر آن‌ها بار شود. این گروه تروریستی با کدام مجوز، سال‌ها راه زنی می‌کردند و تمام راه‌ها را برای مسافران بی گناه نا امن کرده بودند؟ این‌ها که دم از پیروی از مذهب حنفی می‌زنند براساس مذهب حنفی نا امن کردن راه‌ها برای مسافران، جایز نیست و حکم محاربه را دارد.

نتیجه

از مجموع گزارش اجمالی که کشتار و قتل عام زنجیره‌ای هزاره در زمان حاکمیت نظام جمهوری، به دست تروریست‌های آدم کش، چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این کشتارها، از مصادیق بارز نسل‌کشی و جنایت ضد بشری محسوب می‌شود. نسل‌کشی، در ماده دو کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، این گونه تعریف شده است: «نسل‌کشی عبارت است از یکی از اعمال مشروحه ذیل که به قصد نابودی تمام یا بخشی از گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام می‌شود: قتل اعضای گروه، ایراد صدمه شدید به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه، قرار دادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی تمام یا بخشی از آن گروه شود، تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل گروه و انتقال اجباری کودکان یک به گروه به گروه دیگر» (سها نادر، جرم نسل‌کشی در اسلام حقوق بین‌الملل کیفری، (پایان‌نامه)، ص ۳۵)، تمام و بخش اعظم این تعریف کشتارهای طالب صدق می‌کند:

جزء اول، تعریف نسل‌کشی، قتل اعضای گروه است، که به صورت بسیار واضح بر انتحاری‌ها و گروگان‌گیری‌ها و قتل عام هزاره‌ها توسط طالب در زمان جمهوری صدق می‌کند. گروه طالبان به صورت عمدی در طول این بیست سال ده‌ها حمله‌ی انتحاری بر مساجد، حسینیه، آموزشگاه‌های متعلق به هزاره‌ها انجام داده است که در آن هزاران تن از

انسان‌های بیگناه به شهادت رسیدند

جزء دوم تعریف نسل‌کشی، صدمه شدید جسمی و روحی به اعضای گروه، این جزء نیز در جنایات طالب نسبت به هزاره‌ها صادق است. صدمات جسمی زیادی در اثر شکنجه‌ها وحشیانه‌ی که نسبت به هزاره‌ها اعمال می‌کردند. نمونه‌های فراوانی از شکنجه شدن مسافران هزاره و یا سربازان اردو و پلیس ملی که متعلق به قوم هزاره بودند، گزارش شده است. علاوه بر صدمه جسمی صدمات شدید روحی نیز توسط طالب بر گروه قومی هزاره وارد شده است. ایجاد ترس و وحشت و ناامنی، به روح و روان هزاره‌ها آسیب زده است.

جزء سوم تعریف نسل‌کشی، «قرار دادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی تمام یا بخشی از آن گروه شود»، این بخش از تعریف در زمان جمهوریت نسبت به گروگان‌ها و خانواده‌های آنان صدق می‌کند. طالبان گروگان‌ها را مدت‌ها به گروگان نگه می‌داشتند و به آنان آب و غذای کافی نمی‌دادند و به نیازهای درمانی آنان رسیدگی نمی‌شد. پس از مدتی توانایی‌هایی این افراد به تدریج کاهش پیدا می‌کرد و تعداد زیادی از این گروگان‌ها در زندان‌های طالب از بین می‌رفتند. همچنین خانواده‌هایی که تنها نان آور آنان به دست طالب‌ها به گروگان گرفته می‌شد، در اثر فقر و نداری و کمبود تغذیه توانایی‌هایشان به تحلیل می‌رفت. به طور نسبی می‌توان گفت: این جزء تعریف نسل‌کشی نیز بر جنایات طالبان در حق هزاره‌ها در زمان جمهوریت صدق می‌کند

جزء چهارم تعریف نسل‌کشی «تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل گروه» این بخش از تعریف نسل‌کشی شاید به طور کامل در اقدامات تروریستی گروه طالبان در حق هزاره‌ها، در زمان جمهوریت، صدق نکند ولی به طور نسبی نسبت به گروگان‌هایی که دراز مدت در گروگان این گروه نگه داشته می‌شد و از خانواده‌شان دور بودند، می‌تواند گفت که به نحوی این قید از تعریف نسل‌کشی نیز صدق می‌کند.

جزء پنجم تعریف نسل‌کشی «و انتقال اجباری کودکان یک به گروه به گروه دیگر» آخرین قید تعرف نسل‌کشی است. این قید نیز بر جنایات طالبان در حق مردم هزاره

صادق است. چرا که در زمان حاکمیت نظام جمهوری گروه تروریستی طالب با چراغ سبز دولت پشتون، به ناامن کردن منطقه مردم هزاره وادار به کوچ اجباری و تصرف زمین‌های شان توسط پشتون‌ها می‌کردند. به قسمتی از متن سخنرانی یکی از وکلای پارلمان افغانستان از مردم هزاره می‌تواند استناد کرد. غلامحسین ناصری وکیل پارلمان در نطق خود در پارلمان چنین می‌گوید: «یکی دیگر از برنامه‌های سازماندهی شده، علیه هزاره‌ها تصاحب زمین‌ها و کوچ اجباری آن‌ها می‌باشد. مسأله که در قرن ۱۹ سبب شد سرزمین وسیعی از مردم هزاره توسط لشکرکشی حکومتی از مردم هزاره گرفته شود و به قبایل پشتون داده شود. امروز همین سیاست را در بخش‌های از افغانستان شاهد هستیم. در سال‌های گذشته بخش‌های هزاره‌نشین ارزگان خاص به نام باغچار با ایجاد رعب و وحشت و کشتار مردم توسط گروه‌های تروریستی خالی از سکنه شد و به تصرف پشتون‌ها در آمد. در همین روزها ما شاهد، اقدامات سازماندهی مشابه در ولسوالی قره‌باغ ولایت غزنی هستیم که به بهانه قرار دادن حق آبه، آغاز شد و منجر به گروگیری و اسارت ده تن از شهروندان هزاره تبار در طول نه ما گذشته شد. در این نه ماه هیچ اقدامی برای رهایی گروگان‌ها توسط دولت انجام نشد. متأسفانه تعداد از متنفذین محلی هزاره که تلاش برای رهایی گروگان‌ها داشتند، نیز در چند نوبت، مورد حمله طالبان قرار گرفتند و هفت تن آنان نیز کشته شدند. در تازه‌ترین رویداد، به این قضیه شاهد محاصره قریه‌های هزاره‌نشین در ولسوالی قره‌باغ و قطع ارتباط آن‌ها با مناطق دیگر هستیم که خطر یک کشتار دسته‌جمعی را در ولسوالی قره‌باغ به وجود آورده است» (<https://www.afghanpaper.com> / نطق غلام حسین ناصری در پارلمان) با توجه به این واقعیات تلخ این قید تعریف نسل‌کشی نیز بر جنایات طالب و سایر گروه‌های تروریستی که در زیر چتر طالب لانه کرده‌اند، صدق می‌کند. بنابراین می‌توان گفت: که همه یا بخش اعظم از تعریف نسل‌کشی بر اقدامات خراب کارانه‌های گروه تروریستی و نژادپرست طالبان در حق هزاره‌ها در زمان جمهوریت صدق می‌کند و این گروه از مصادیق بارز جنایت کاران جنگی هستند که باید در دادگاه‌های جنایی به عنوان قاتلان

هزاران، انسان بیگناه محاکمه شوند. حداقل مجازات سران و قومندانان این گروه اعدام است. هزاره‌ها بارها توسط این تروریست‌ها به صورت دسته‌جمعی کشته شده‌اند. هم صدمه جسمی از طریق شکنجه‌های وحشیانه در زندان‌ها و محاکمه‌های صحرایی و قرون وسطایی این گروه، به مردم هزاره وارد شده است همچنین در معرض وضعیت نامناسب زندگی رقت بار که منجر به زوال تدریجی قوای جسمانی آن‌ها می‌گردد، قرار گرفتند. چه در زندان‌های طالبان و چه از طریق بستن راه تدارکات و نیازمندی‌های ساکنان مناطق هزاره نشین و گرفتن فرصت‌های شغلی از هزاره‌ها و نبود امکانات اقتصادی و دست رسی نداشتن به تغذیه مناسب، قوای جسمانی بخش زیادی از جامعه هزاره را به تحلیل می‌برد. بدون هیچ تردیدی طالب یک جریان آپارتاید به تمام معناست. هم آپارتاید قومی است، هم آپارتاید زبانی، هم آپارتاید مذهبی و هم آپار جنسیتی است. مذهب برای طالب فقط یک ابزاری است برای تحمیل اقوام غیر پشتون و سربازگیری از تاجیک و ازبیک‌ها به نفع حاکمیت انحصاری پشتون است.

تمام کسانی که، در این سال‌ها به هر نیتی به طالبان کمک کردند، باید بدانند که کمک‌های آن‌ه، قبل از آن که در مبارزه با آمریکا استفاده شود، به کشتن مردم افغانستان بویژه هزاره‌های مظلوم به کار برده شده است. طالبان در این سال‌ها با این کمک‌ها صدها جوان، بزرگ سال و کودکان بی دفاع هزاره را، مظلومانه به شهادت رسانده‌اند. صدها مسافر بی دفاع هزاره را در مسیر راه‌ها از ماشین پیاده کرده مانند گوسفند سر بریدند. گسترش مدارس جهادی به دستور رهبرطالبان به تمام روستاها و قریه‌های دور دست افغانستان به معنای گسترش تروریست در منطقه و افغانستان است و کمک و مساعدت به این گروه به معنای مساعدت در گسترش تروریسم در منطقه است. تفکر طالب و داعش یکی است هیچ تفاوتی ندارد. تنها شریط زمان و منطقه ایجاب می‌کند که طالب‌های خودشان را متفاوت از داعش نشان دهند. سایت المرصاد که متعلق به بخش استخبارات طالبان است، به صراحت شیعیان را به خوارج و داعش تشبیه کردند که نشان دهنده‌ی تکفر این گروه نسبت به شیعیان است.

آخرین نکته پیشنهاد من به همه‌ای قلم به داستان هزاره این است، که از باب تظلم و داد خواهی به حکم صریح آیه قرآن که فرمود: «لَا يَجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ» (سوره نساء، آیه ۱۴۸)؛ به افشای جنایات ستمگران و تبیین آن چه بر جامعه هزاره در طول تاریخ رفته است بپردازند و اشغالی بودن زمین‌های غصب شده‌ی هزاره‌ها را در شعر، داستان، مقاله و کتاب و پست‌های فیسبوکی و سایر پیام‌رسان‌ها برجسته و مستندسازی نمایند.

کتابنامه

قرآن کریم

بنیاد رهبر شهید بابه مزاری رحمته الله، منشور برادری، چاپ اول، ۱۳۷۹

[/https://www.etilaatroz.com](https://www.etilaatroz.com)

[/https://www.independentpersian.com](https://www.independentpersian.com)

[/https://www.hazarapeople.com](https://www.hazarapeople.com)

[/https://www.irna.ir](https://www.irna.ir)

[/https://ariananews.co](https://ariananews.co)

<https://aamajnews24.com/fa>

[/https://spnfa.ir](https://spnfa.ir)

<https://www.bbc.com/persian>

<https://sur.ly>

[/https://twitter.com](https://twitter.com)

[/https://www.fardanews.com](https://www.fardanews.com)

<https://fa.wikipedia.org>

[/https://www.radiofarda.com](https://www.radiofarda.com)

[/https://www.reuters.com](https://www.reuters.com)

[/http://www.dailyafghanistan.com](http://www.dailyafghanistan.com)

[/https://8am.media](https://8am.media)

[/https://subhekabul.com](https://subhekabul.com)

جعفری، لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱.

جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام، دار الثقلمین، بیروت،

۱۴۱۹ق.

[/https://www.jomhornews.com](https://www.jomhornews.com)

[/https://www.irna.ir](https://www.irna.ir)

[/https://www.mizanonline.ir](https://www.mizanonline.ir)

[/https://ufuqnews.com](https://ufuqnews.com)

[/https://www.isna.ir](https://www.isna.ir)

[/https://www.aparat.com](https://www.aparat.com)

<https://www.afghanirca.com/fa>

[/https://www.farsnews.ir](https://www.farsnews.ir)

[/https://www.mehrnews.com](https://www.mehrnews.com)

[/https://www.tasnimnews.com](https://www.tasnimnews.com)

[/https://www.avapress.com](https://www.avapress.com)

سهانادر، جرم نسل‌کشی در اسلام حقوق بین‌الملل کیفری، (پایان‌نامه)، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، ۱۳۹۰.

[/https://fa.shafaqna.com](https://fa.shafaqna.com)

[/https://www.afghanpaper.com](https://www.afghanpaper.com)

[/https://hamsenfi.com](https://hamsenfi.com)

<https://tolonews.com/f>

[hajimihammad n\mihaqq / https://www.facebook.com*](https://www.facebook.com/hajimihammad_n\mihaqq)

[moradali / https://www.facebook.com](https://www.facebook.com/moradali)

[sarvardaaneish / https://www.facebook.com](https://www.facebook.com/sarvardaaneish)

[/http://www.afghandata.org](http://www.afghandata.org)

[/https://fa.wikipedia.org](https://fa.wikipedia.org)

[/https://fa.wikishia.net](https://fa.wikishia.net)

[/https://www.entekhab.ir](https://www.entekhab.ir)

<https://old.chekad.tv>